

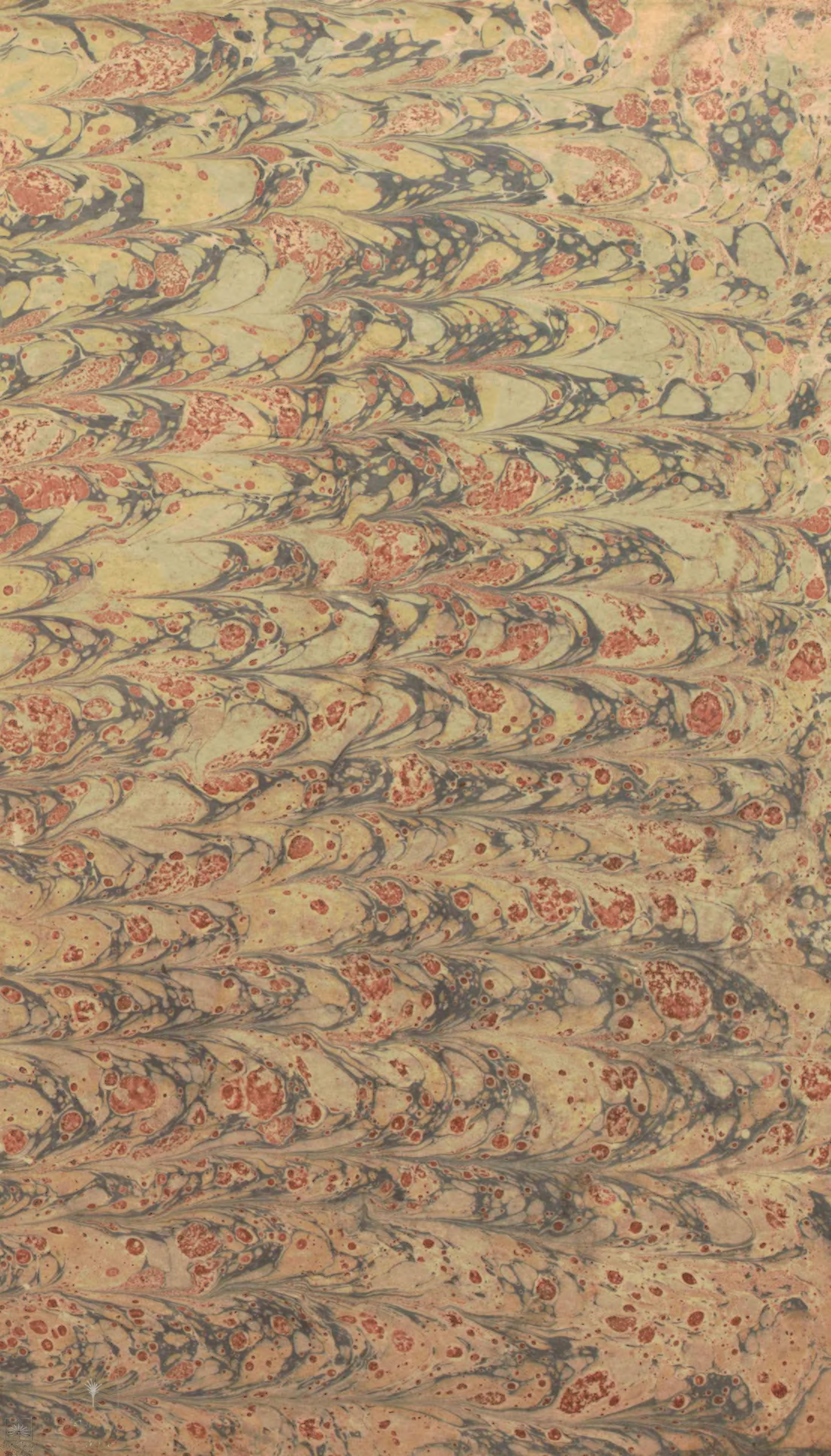
سفرنامه  
شاه خراسان  
۱۲۴۷

س  
۱۴  
۱۰۲

۸۸۲۷











۵۳۴



کتابخانه دولت علیه ایران

نمبر ۴۳۸۵

اسم کتاب *ملا صدیق خراسانی* مصنف

درجه علم بیجه زبان

تاریخ طبع تصویر

جلد قطع

ملاحظات

*مرکز*











روز دوشنبه پنجم شهر شعبان لمعظم چهار ساعت بغروب مانده شش تیر توپ شلیک شده اعلام نمود که موب  
 سعود علیحضرت شاه صا حقران خلد الله ملکه و سلطانة بغرم سفر خیر اثر خراسان زیارت مشهد مقدس  
 حضرت ثامن الائمه سلام الله علیه از دار الخلافه بامر انتهاض میفرماید کلیه قشون طفر نمون متوقف در الخلافه بقصد  
 بدرقه موبک منصور خسروانه اید الله تعالی با حضور تواب والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ در بیرون وازه و  
 صف کشیده از سان حضور مهر ظهور مبارک گذشته بکلی مشمول عواطف شریاری گردیدند قشونی که در طهران موقت  
 و عساکری که در کاب خواهد بود از اسلحه مرکب از پانزده هزار است از این عدد پنجاه هزار نفر مرکب باشند با تقسیم  
 طهران خواهند بود با بجمعه بندکان علیحضرت بهایون تشریف فرمای قصر دوشان تپه گردیده شب در اینجا اقامت  
 فرموده صبح سه شنبه ششم بامیان من قال روانه سرخ حصار که خالصه دیوان بایون و سپرده بهیرزا محمد خان  
 پیشین مت است شده در اینجا بعضی از اکابر و بایان شرفیاب کجای مبارک گردیدند جناب آقای امام جمعه سلمه  
 نیز در سرخ حصار بحضور اقدس اعلی تشریف جسته دعای سفر خواندند ذات ملکوتی صفات تقدس باد و عت  
 بغروب مانده در اینجا اقامت فرموده غرایض و نوشتجات بسیار که از دار الخلافه و دوا و ایر و ادارات دولتی بکای  
 بهایون ارسال شده بود از لحاظ نظر انور شاهانه گذشت و دو ساعت بغروب مانده موبک اصلی بکنار رودخانه جاجرو



که غریب خیم با اسام سردانی بود شریف و ما گردید ارتفاع کنار رودخانه جابرو در سطح طرآن صدر  
 روز چهارشنبه یستم وقت صبح از کنار رودخانه جابرو و بقصد بوهمن تنهاض فرموده نهار را در استلک میل  
 فرمودند استلک فارسی اصطخرک است یعنی اصطخر و بر که کوچک آب و فی الحقیقه در استلک اصطخر کوچک است  
 موجود است امروز در پناه دپسته نگاری از قوروق و شکارگاههای جابرو و از دور نظر مبارک رسید  
 بطرف آنها رانده و تیر تفنگ بان دپسته شکار انداخته و قوچ بزرگ صید شد مبارک گردید خلاصه بعد از  
 صرف نهار و قدری توقف در استلک وقت عصر تنهاض فرموده در بوهمن که منزل دوم اردوی همان  
 میباشد نزول بجلال شد بوهمن متعلق بجناب آقا وزیر اعظم داخله و مانیه میباشد و معنی تحت اللفظی این کلمه  
 زمین لرزه است ظاهر این در فرس قدیم معنی لرزه باشد و با بوم که معنی مزر و محل میباشد مرکب شده  
 این معنی گردیده و از آنجا که بوهمن از قرا و نواحی دماوند است و دماوند کثرت زلزل معروف مکن است  
 بوهمن گفته باشند در هر حال بوهمن در کنار رودخانه واقعست که از شمال غربی بجناب جنوب جارت  
 این رودخانه عبارتست از چندین چشمه در کوهی از کوههای لر مشرف بورت سیاه پلا پس معروف بگردنه پتک خود  
 رودخانه بواسطه چشمه بانی که در مجری و بستر آن میباشد نیز زاینده است و در بهار و تابستان از ده الی پانزده  
 آب دارد ولی در فصل پائیز آب آن چهار سبخت اول آبادی که در کنار رودخانه واقع شده مزرعه جور میباشد  
 از آن آیرا و بعد اسکره و بعد بوهمن که عبارت از دو قلعه میباشد در یک قلعه دوازده خانوار از منی ساکن و در  
 دیگر قلعه خانوار گردیده سکنی دارند که اصلاً از امانی رومی و در عهد شاه شهید سعید آقا محمد شاه طاب ثراه آنها را  
 از انولایت باین ناحیه کوچانیده اند و گردیده مانند میان خالی میباشد و آبادی بعد از بوهمن نهران که شش خانوار است  
 و بعد از نهران شهر آباد که شش خانوار رعیت در آن سکنی دارند پس از شهر آباد کلخندان کوچک است و رودخانه  
 بوهمن بارودخانه دماوند و آب آه که آن نیز از قرا و نواحی دماوند است می شود بر رودخانه جابرو و رودخانه بوهمن





و آب آه در زیر کلخندان بهم می پیوند و بقعه در بومهن هست از قرار مذکور از فرزندان حضرت امام موسی کاظم  
علیه السلام میباشد ارتفاع بومهن از سطح طهران چهار صد درع است

روز پنجشنبه ششم موکب بایون از بومهن انتهاز نسبه بوده اراضی حصار که مضرب خیم گردون خشم سلطنتی بنزد  
اجلال پادشاهی فرین گردید حصار عبارتست از سه مزرعه و واقع در زیر قریه کیلارد و کیلارد در جنوب غربی دماوند  
و طرف مغرب رودخانه و این جمله از نواحی دماوند است اما مراده در حصار هست که از قرار مذکور از سادات  
موسوی میباشد کج حصار از طایفه باز کی و نغداد هشتاد خانوار میباشد قرائی که از بومهن تا حصار عرض  
راه دیده شود اول و دوم است که تقریباً در نیمه سخی بومهن در کنار آب آه در طرف دست چپ راه واقع و دارای  
صد و پنجاه خانوار سکنه میباشد که آنها نیز گردنچه عالی و از مهاجرین ارومی میباشد بقعه در رود بومهن است معروف  
بآما مراده قبی که آنرا نیز از فرزندان حضرت امام موسی کاظم علیه السلام دانند بعد از رود بومهن قریه مهر آباد در طرف  
راست راه واقع و ملکی حاجی محمد رضای صراف از ابالی دار الخلافه است و پانزده خانوار سکنه دارد پس از این قریه  
دو کده چار میباشد در این دو کده نیز پانزده خانوار رعیت سکنی دارند از حصار تا قصبه دماوند تقریباً یک  
فرسخ است ارتفاع حصار از سطح طهران پانصد ذرع میباشد

چون قبل از انتهاز موکب بایون از دار الخلافه با سه مفرم ارض قدس امین است سلطان وزیر دربار عظم خرم  
عامره رئیس اردوی معنی نقابت مزاج داشتند و محض مزید توجهات و مراسم ملوکانه در باره مغزی ایبه متصرف  
که روز شنبه ششم شهر شعبان با سراسی دکتر طولوزان حکیمباشی حضور بایون و شیخ الاطباء از اطباء حضور مبارک گشت  
کنند که مجبور بطبی منازل بعیده و با جمعیت زیاد نباشند و بنویسند نقابت ایشان مبذل به استقامت گردود  
در روز مزبور حرکت نموده درین روز که پنجشنبه ششم است بار دوی معنی پوسه شریفاب حضور رحمت ظهور عین  
و بهودی کلی ایشان را جال شده بود محض مزید مکرمیت شانانه و از رو پا در سلامت و حفظ صحت مغزی ایبه متصرف فرمود





که باز تا نرسد و ز کوه این ایستادگان به سراسر می دگر طو لوزان و شیخ الاطباء از پیش حرکت کنند و در عیال  
این ایستادگان امین الملک ولد مغربی ملکیه که در کلیه خدمات و مشاغل بر حسب امر و دستخط همایون نیابت ایشان  
دارد و نیابت بریاست اردو و نظم امور اشتغال و اهتمام مینماید

روز جمعه نهم و شنبه دهم و یکشنبه یازدهم در حصار اوراق شد آیین الدوله و زیر وظایف و اوقاف پهنه های  
مالک محروسه و مدیر دارالشورای کسری و آیین حضور وزیر بقا که تا اینجا بشرف التزام رکاب اعلی شرف  
بودند بعد از اصغای او امر علیه و فرمایشهای ملوکانه اجازه انصراف و معاودت حاصل نموده روز شنبه  
دهم روانه دارالخلافه با سره گردیدند

از آنجا که ابتدای این سفر سعادت اثر در او احسن فصل بهار و اول گرمی هواست موبک بهایون علی حضرت  
شاهنشاهی خلدانه ملکه و دولتیه با بعضی از خواص ملازمان آستان پسرشان تقدیر از راهاییکه در حدود  
سیلاقی است و در این روزنامه شریفه شرح منازل آن درج و ذکر خواهد شد حرکت فرموده وارد وی نظامی  
مرکب از ده عراده توپ کوهی طریقی و یک عراده توپ سلام و فوج مسعود و از خلفه جمعی سیف الملک  
و موزیکانچیان لورائی و شهرستانی و شصت پنج زنبورک و یازم زنبورکخانه جمعی نصرانده خان سرتیب  
و صد نفر سواره و موزیکانچیان قزاق و هشتصد نفر سواره اینان و جمعی صغار الملک و دویست نفر خدایان  
شوکت جمعی حاجی شهاب الملک و هزاران دوله با چهار صد نفر سواره ممدیه و منصور و دویست نفر آقایان جاب  
و سیصد نفر خدام مهری جمعی سیف الملک و صد و بیست نفر سواره زرین کمر جمعی ساری صلاان و هشت  
بارکش بامیه و اغروق و در سلطنتی بجهت کثرت ازراق و وفور آذوقه و عیش و غیره از راه معمول روانه شدند  
و مقرر شد که آن اردو در شام هر دو بموبک معالی پیوند و واسامی تفرمین بکتاب علی و نمر آیه ذکر خواهد شد و شایسته

صنيع الدولة ووزراء طباعا

اعلان

این روزنامه مجانیست و علاوه بر روزنامه بانیک در دار الحکومه مطبعه مکر در زیر آن قرار دارد و در این مطبعه چاپ می شود





روزی که بنیت پنجم ماه شعبان کب معود ایضاً حضرت شاهنشاه صاحب ان جلاله ملکه و سلطان ارجمند علی دین معان شریف فرماید چاره  
از توابع هزار جریب زنده گری انوشیروان میسر از بسیار آله و حکمران سمنان و معان که در نازل خاک و لایین فرورین در سهرتم  
سیورسات آذوقه و لوازم آسایش و رفاهیت قمرین کاب علی وارد و می یون سعی افی نموده خاطر مبارک را قرین ضاییت و خرمی  
ساخته با عطای کتب سرداری از جاذبه خاص خلعت مهر طلعت بهایون علامت کمال مرحمت عنایت ملوکانه متفخر و مباهسی کرد  
طرف شمال چشمه علی بقاصد ربع فرسخ صحرائی ممتد عرضی است که امتداد آن از شمال جنوب و فرسخ و عرض از نیم فرسخ الی یک فرسخ میا  
صحرائی فرور در میان دو سلسله کوه است که پشت کوه شرقی بلوک دین پشت کوه غربی محال چار دانه هزار جریب زنده گری میا  
در بادی نظارین صحرائی است ولی در حقیقت چمن نیست بلکه آنچه بنظر سبز میاید یا زراعت است یا خارستر راه از دانه تپه های غریب  
و در دهنه کوه شرقی موسوم بانبانه کوه سیلی است که در سبکام سیلاب فاضل آب مزارع کلاته و چارده بواسطه آن میل آب چشمه علی  
متحد می شود یک فرسخ که از چشمه علی بطرف شمال فرستند در سمت مغرب جلگه قریه کلاته است که در دهنه دره عرضی و قشده و درود خانه  
که در تفصیل تقریباً دو سنگ آب رود از دهنه دره فرور به بخارج جاریست و مزارع و آبی در جلگه را مشروب میازد قریه کلاته سابقاً در  
دره بوده حال آن خراب خالی از سکنه است و آبادی حالی در سمت شمال دره در زمین پست و بلند سبکلاخی است که بیوت آن ب  
و بر روی هم میباشند اشجار زیاد از هر چهل درین دهنه موجود است چشمه با دخانی معروف در ربع فرسخی کلاته و اقصیت  
جمعیت کلاته سیصد خانوار و دو باب حمام و یک مسجد و یک حبشیه دارد در شمال طرف غربی جلگه ربع فرسخ بکلاته مانده آثار قلعه  
خرابیده می شود که بکلی منطمس گردیده و بدقت معلوم می شود که قلعه بوده است محاذی دهنه دره کلاته در وسط جلگه آثار قلعه کهنه از  
بنای قدیمی شبیه بقلع ری از دور دیده می شود که ابالی کلاته آنرا چهل درینا مند و از قرار معلوم آنها سابقاً در این قلعه سکنی داشته





بعد از اندام بمسکن جای فعل مکان نموده است نیم فرسخ از قریه کلاته گذشته در وسط جلگه محاذی قلعه چهل در قلعه مذکور است از بناهای  
بسیار گفته که نارین قلعه بوده زیرا که قلعه مربعی بقاصله است پنج الی سی ذراع با خندق محیط بر آن بوده دیوار نارین قلعه مذکور خارج  
و از داخل خشتی بسیار حجم و محل آن برجی بوده در طرف شرقی قلعه واقع و آثار بیوتات مذکور در طرف آن بنظر می آید عرض دیوار  
نارین قلعه آنچه حالا موجود است چهار ذراع و قطر دایره آن سی سه قدم است نزدیک چهارده یعنی در انتهای نیم دایره که قرائی دارد  
در آن قسمت طرف شرق نیز آثار قلعه خرابه دیگر در بالای تلی موجود است چارده فی الحقیقه چار قریه بوده یکی را در عهد کریمخان  
کریمخان زند خراب کرده و سه قریه آباد موسوم به ورزن و زر دوان و قریه قلعه میباشد ورزن که در طرف مغرب امته واقع شده  
پنجاه خانوار سکنه و یک باب حمام و مسجد و بقعه دارد که بقعده الهامی مدفن ابراهیم بن موسی الکاظم علیه السلام است زر دوان که در سمت  
شرقی است تقریباً هشتاد خانوار جمعیت حمام و مسجدی دارد و قریه قلعه دارای ویت خانوار آبادی و یک مسجد بزرگ و حمام و دو باب  
دکان خدای و صباغی و بقالی کلبه باغستان چارده در حوالی قریه قلعه است که از جمله باغ شاه میباشد که بامر شاه شهید سعید آقا  
محمد شاه غرسل احداث نموده و باغ دیگر که مرحوم ضوان چاکاه امیر کبیر سلیمان خان عتضاد الدوله احداث کرده و در طرف غربی آباد  
قریه قلعه بقعه اما فراده محمد ابن خضر تصادق علیه السلام است که شرح آن در محل خود نگاشته خواهد شد کندی چارده بخوبی معروف است  
روخانه چارده از سنگه شمال جاری بطرف جنوب میرود از چشمه علی چارده سه فرسخ میباشد ارتفاع چارده از طهران قریب پانصد ذراع است  
روز و شب بیت و ششم شعبان موبک مسعود همایون از چارده انتهاض فرموده در آستانش از مزارع شاه کوه سفلی واقع فیما بین شاه کوه علیا  
و شاه کوه سفلی از خاک استر اباد نزول حلال فرمود خط راه ابتدا بطرف شمال غربی است و منتهی بجا سمت مشرق تا بل مسکند و دواز  
ده و با فیما بین جبال عبور نماید گردنه اول که تا چارده ربع فرسخت موسوم به لالان میباشد و پای این گردنه راهی است بطرف مغرب  
که از آن به بندرگز میروند بعد از طی مسافتی گردنه دیگر در راه است که کوههای طرفین آن شکار اورنس دارد و هر چه پیشتر میروند آن شکار  
می شود این گردنه که موسوم به دورک ناله میباشد حاصل خاک چارده هزار جریب و استر اباد است بعد از آن گردنه معروف به ترک چاک گردنه  
آخری که خبر و خاک شاه کوه سفلی است موسوم به شاه سوار است در عرض راه چهل اورنس و چشمه رز یاد وارضی بنزد خرم و آب جاری میشود  
ناحیه شاه کوه عبارت از سطحی است که امتداد آن از شمال بخوبست و از آنجا که کوه نسکی شامخی مشابیه دیوار که همیشه مستور از برف است  
جنوب سطحی منبوره واقع شده اینجا را شاه کوه می نامند در دامنه شمالی این کوه تخته زده مات و امنان و مجن از قرای بلوک بطام میباشد  
در طرف شمال سطحی کوه موسوم به بلو میس میباشد که آبادی آن معروف بزیارت خاص است اما فراده در این آبادی منوشت آبادی شاه کوه سفلی





دارای صد خانوار سکنه و یک باب حمام و دو مسجد و در انتهای جنوبی سطح میسب باشد و آبش از چشمه سار و رودخانه است که از برف حاصل  
میشود اما قلعه خرابه که مشرف بآبادیت در اینجا بنظر میرسد از شاه کوه سفلی تا جائیکه راه سمت شمال میل نموده و از گردنه قزلتئق سرانجام  
یکفرسخ است و راه گردنه قزلتئق را بسیت که از آن از بطام بستر آباد توپ میزنند و کاروان میرود اما شاه کوه علیا نزدیک قزلتئق  
و در سمت مشرق سطحی و قشده و دو بیت خانوار سکنه و یک حمام دارد اما لی شاه کوه علیا و سفلی تقریباً صد و پنجاه هزار کوفته دارند و بال  
سختی رستان قسلاقی میزنند ولی چشم آنها برای قسلاقی باجرم و زردین و پوشش ملکه در این سنوات قاری قلعه میروند رودخانه های  
برودخانه نکا باین شرف ساری ملحق می شود طایفه فوج بابا کلونی در شاه کوه و قسلاقی و در ستر آباد قسلاقی می نمایند ارتفاع شاه کوه از طهران  
مستند پنجاه ذرع است از چارده تا شاه کوه شش فرسخ میسب باشد

روز شنبه بیت و هشتم موبک مایون علیحضرت شاهنشاهی غرضه از شاه کوه تشریف فرما می طاش (تاش) از قرای ستر آبادند  
تقریباً یکمیدان راه که از اشتاش و میوند رودخانه بطرف شمال جاربت که در فصل شک آب ارد این رودخانه را شیر برود  
شاه کوه می نمایند پس از طی دو فرسخ راه در جبال طرفین که در سمت مشرق و مغرب اشجار و درختان کوبی بعضی چشمه سارها دیده  
و بدو می رسند که در طرف شمال و قسمت قریه شاه کوه علیا درین دره میسب باشد تقریباً یکفرسخ دیگر که طی مسافت می نمایند بگردنه کوهی  
موسوم به چاچیان و چمنی می رسند که دوه چشمه آب دارد و یکی از آن چشمه ها که کذاب نامیده می شود آب معدنی مزوج بگوگرد دارد و یکی  
خلاف اغلب آبهای معدنی آب کذاب سرد و باران کوه گرد و درش طعم است اما دزه که قریه طاش در آن میسب باشد امتدادش از  
شمال بجنوب و طول دزه از رشته کوه زال بیک طرف شمال و اقشده تا به مقابل که سمت جنوب است تقریباً یکفرسخ می باشد در وسط  
تپه از شمال بجنوب کشیده شده که در انتهای طرف جنوب راه و قسمت می کند آب طاش که از دامنه کوه شاهوار سر چشمه گرفته و در فصل  
که او اسطرخان است شش شک آب دارد ابتدا بطرف جنوب جاربت بعد سمت شرق میل شده در دهانه دریا رودخانه که از راه  
شاه کوه میاید یکی شده موسوم بدو آب میگرد و بیلوک بطام میروند قریه طاش چهل خانوار سکنه و دو حمام و یک مسجد دارد و از جهت  
قلیل و عمده معاش از کوفته دارند از شاه کوه تا طاش چهار فرسخ میسب باشد ارتفاع طاش از طهران هزار ذرع است

روز چهارشنبه بیت و هشتم در طاش اتراق شد و در این روز بندکان علیحضرت شاهنشاهی دام ملکه بغرم تاشای بلوک که تول است  
بقله کوه شمالی طاش موسوم به بزد که و چرخ متصل بکوه شاهوار است تشریف فرما گردید و چون از کوه زال بیک فرسخ دور شدند  
بسیار با صفائی که در دهنه کوه بزد که و چرخ می باشد چشمه های سرد کو را دارد و مرتفع حشام اما لی طاش میسب باشد رسیده از پنجاه



بعد از آنکه با سه دوی از زمین کربلای بعلی قطع مقلع کوه یزد که در صعود فرمودند این قلعه در طرف شمال شرقی بلوک کتول استرا با است  
اتفاقات این از هوا صاف و تمام جلگه تا سال دریای خزر نمایان بود این نواحی اگر چه قوروق نیست لیکن کارگاه بسیار معتبر است  
و از قریب شکار دارد و با آنکه بندکان علیحضرت همایون قصد شکارند استند چون غلظت چند ارغالی از مسافت بعید می یارند یکی از آنها  
که تقریباً در هزار دوی بود رسید فرمودند خلاصه وقت عصر برابر پده سلطنتی مراجعت فرمودند راه معمول بطام بستر آباد از طاش  
که از طاش تا گردنه قرنی سه فرسخ و خود گردنه قرنی نیز دو فرسخ تا بدنه کرماندشت می رسد و از بدنه کرماندشت که تقریباً جلگه است تا شهر  
استرآباد چهار فرسخ می باشد

روز پنجشنبه بیت ونهم موکب همایون علیحضرت شاهنشاهی ام ملکه از طاش بقریه ابریسج (اویسج) خاک بطام شریف فرما کرد  
خط راه از بدنه موسوم بدنه دو آب خارج شده از مغرب مشرق در کنار رودخانه امتداد دارد و پس از طی نیم فرسخ بطرف جنوب می شود  
و دره وسیع می گردد در اینجا چهار کاروانسرای بارانداز برای قوافل استرآبادی که بشاه رود و بطام می روند در قدیم الانام بنا نموده اند  
که یکی از آنها بکسک و کج و باقی باخشت و گل ساخته شده و هر یک دارای برجیست که مخصوص حراست بوده است بعد از آن  
جبال اطراف از یکدیگر دور می شوند پشت کوه طرف جنوب ده تلی باشد که از منازل راه معمول خراسان است و از اینجا شاه رود می رود  
و راه ابریسج در دامنه کوه شمالی مشرق می باشد یک فرسخ با ابریسج مانده در دامنه کوه مزبور قریه نکار من است که تقریباً چنانچه  
قدیمی از نکار من گذشته بدنه استناج یا استاد است که بطرف مغرب امتداد دارد تقریباً بکسک آب از آن جاریست که بطام  
و محاصره استناج بواسطه قنات شاه اسماعیل صفوی در تواریخ مضبوط است از بدنه استناج تا ابریسج ربع فرسخ است ابریسج که قریه مزبور  
شاه رود و بطام است در بدنه دره که در دامنه کوه شاهوار است در طرف مغرب بل شمال جلگه بطام واقع و رودخانه که از بالای دره می رود  
از وسط باغستان یاد ابریسج جاریست و چند چشمه آب سرد کو را در حوالی رودخانه دیده می شود و یکی از چشمه ها موسوم بنهم که آل که از میان  
از سوراخی که شبیه بنهم است بیرون می آید اما لی گویند اگر خیزنا پاکی در چشمه اندازند آب چشمه نماند فی حقیقت می شود قریه ابریسج دارای چشمه  
ناوار و دو باب حمام و چهارده مسجد و شبیه مقبره معتبر است و بعضی از مساجد آن از بنیه قدیمه و یکی از آنها را در سال ۱۱۸۰ هجری قمری  
قریب بیت فخر طلبه و فضلای با علم درین قریه سکنی داشت گویند چون محلی که این قریه در آن واقعست شجر با شجرا و درختان درختان  
و بیوات بنا نموده اند اما موسوم به اویسج شده و از اینجا که داود و باد فاری هم قلوب شود اویسج را حالا ابریسج تلفظ می نمایند  
از طاش ابریسج چهار فرسخ است ارتفاع ابریسج از طهران چهار صد فرسخ است



از جمیع شیخ شهبان بکب شمر کوب شایانه از ابریسج حرکت فرموده ظاهر بطام مغرب خایم سپهر شام مغلی گردید بنده ان حضرت  
شاهی خلد آنکه سلطانه چهار ساعت بغروب نمانده بمنزل را بورد و مسعود خسروانی فرزند نمود اردوی بزرگ که از راه  
شاه رود آمده و در اینجا قدم بجهت لزوم آمدن مستظر بود در موقع ورود بکوب اعلی سران و سرکرگان افواج پیاده و سوار  
و صاحبان عموماً بکب تقابل مقدم فرخنده شیم مبارک شتافته فردا مشمول عواطف خاصه بایونی گردیدند و اردوی  
که صورت آن در ذیل مطرو است حسب الامر شرف تزام رکاب اعلی مستعد شد

صورت اردوی بزرگ که از شاه رود برکاب بایونی پیوسته

سيف الملك      قلار الدوله      شهاب الملك      صارم الملك

توپخانه غمیه

توپ سلام کعبه توب کوهستانی و غیراً توپچی خمیه نفر توپچی سبک اطریشی و غیره زنبورچیان بریاست نصرالله سرب بقاء

افواج سواره پیاده و غیره

فوج مسعود طهران جمعی سیف الملك با دو دسته نوکانه چینی شریستانی و اگر که نصفه غلامان کجانه بریاست قورلا قاسی باشی و دویست پنج نفر  
سواره منصور مهندیه بریاست قلار الدوله بنقصه نفر غلام شایسون کت بریاست شهاب الملك دویست نفر سواره شایسون بایونی و بریاست صارم الملك  
بنقصه پنج نفر غلام مهری سید نفر جمعی سیف الملك سواره قزاق صد و سی یک نفر

تیزدین وزیر حبیب الله خان ساعد الدوله میر تومان حکمران استرآباد بار و ساقی لیل طوایف ترا که میوت و کلان و غیره که از رعایای قدیم  
منقاد دولت غلبه بایستند بقبیل کاب ظفر شهاب مقدس پادشاهی مختار و مباحی کشند از ابریسج تا بطام کمتر از دو فرسخ در  
از شمال غربیت بطرف جنوب شرقی و از آنجا که شرح جغرافی تاریخ شاه رود بطام در سفرنامه مبارکه مشهود است سال هزار و دویست  
هشتاد و سه که تقویم مغیر رقم خسروانه مسطور شده و در جلد اول مرآت البلدان نگاشته شده و بعد با مفصلاً نیز نوشته خواهد شد در محل  
عدم کنجائش متعرض نشدیم ارتفاع بطام از طهران دویست ذرع است

روز شنبه غره شهر رمضان المبارک و روز شنبه دوییم در ظاهر بطام اتراق شد و در اینجا مسیوگان نوکی قنول دولت روس مقیم باد  
با همراهی ساعد الدوله میر تومان حکمران استرآباد بحضور بایر انور بایون مشرف و عواطف خاصه شایسته مشمول گشته با عطای مکمل کتبی  
الکس در جبهه خاص یافت بهم در اینجا عمید الملك باردوی معلی پیوسته در عداد نفرین رکاب اعلی معدود گشت تیز در بمنزل محض  
مراجم کابل خسروانی و اظهار تفقد و غایت مخصوص باره امین است سلطان زیر دربار عظم و خزانه عامه شریف فرمای منزل ایشان



کرده مغری ایاز بزل این بخت عظمی شریکات قطعات قدومت لزوم افسار قیام و اقدام نمود بهم و اینجا سال در میان  
 حکمران استرآباد که همواره طر معذرت اثرهایون از جلال خدات خود خرسند ختم نیز در عبور موکب منصور مقدس بخیر روز از حال شهر  
 چنانکه باید بفرایم نمودن لوازم آسایش تفرین کایک پر ختم مشمول عاطفت خاصه سروان کرده بای کلیوب سرداری شمسه فصیح خلعت  
 طلعت بایون لیل ضایع و سرت خاطر الهام و ایراد شاهی مخبر و بای کرد و آقایان استرآباد و سرکردگان و صاحبان استرآبادی و روسا  
 طوائف قابل تر کله نیز توسط مغری هم بر یک علی قدر تمیم بخلعتی سر بلند کردند و آسامی آنها از قرار ذیل است

### آقایان استرآباد

جناب آقا سید ام آید آقا محمد میر حرم طاهر ضیای شهید آقا حسن میر حرم آقا نظام الدین آقا سید امیل از طایفه از کبیر شیخ حقیقی و  
 سرکردگان و صاحبان استرآبادی

میرزا علی بنی خان سرتیپ در یکی عبد الله خان سرتیپ علی محمد خان سرتیپ میرزا سعد الله خان میرزا محمد حسین شیکار چکنیز میرزا  
 فتح علی خان سر کرده استرآباد در ستاق محمد علی خان سر کرده کرد محمد و سدن ستاق سلیمان خان سر کرده مقصود و سلیمان خان یوزباشی از  
 طایفه ملک محمد علی خان سر کرده از آقا محمد خان سر کرده مکتبی عینی خان سر کرده پائین باوری ملک عیسی علی کبر خان فوکری علی کبر سلطان  
 کلانتر بلوک استرآباد در ستاق آقا عبد الرحمن کلانتر بالاشاکوه محمد علی خان کلانتر پائین بالاکوه آقا محمد ابراهیم کلانتر ساور آقا محمد علی شاه  
 حاجی محمد علی شاه کوبی آقا رضا تحویل در سیورشا آقا فرید طاشی آقا محمد تقی تاجر استرآبادی نشان رجا درجه چهارم

### خوانین و ریش سفیدان طوائف ترکمان

#### طایفه جعفر بای و اغور علی

(نور علی) حاجی کلدی خان آیل کلدی خان پسر حاجی کلدی خان آدینه خان حسین خان مبین خان تنجی سلطان طغان و تارول  
 تاج محمد سلطان آیل محمد آتق علی خان عوض محمدی آتاقلی تاز محمد

(بار علی) حمید نظر خان قوباش خان باباخان آرتق وردی حاجی غیب حاجی راز عمر خان نظر سردا آتاکلی  
 حسن خان (اغور علی) ملا خواجہ نیاز آراز محمد قلیج خان

#### آتابای

مذرخان حاجی نظر خان قوشلی خان سالار خان پسر امیر خان سر باز خان صادق خان بهرام خان بیکر از خان چغان خان او شید خان  
 آمان لوق خان قاهره وردی باطرخان آوره ساطق خان بکعلی خان آزار کلدی

(راز) حاجی قلیخان ولی بای خالد خان ویردی خان خالد وردی (ملیکی) قوشلی خان ملا قربان خان یوزباشی قلیج محمد خان  
 آقا محمد قزل قوشاق قارلی محمد وردی آراز خان محمد طغان (دوجی) قارلیخان آمان قلیج خان ویردی خان مکل خان آت محمد  
 خاخال خان صارخان آرتق نظر آمان قلی طوائف ایل بالا

(قان یخیز) قلیج قبان خان عوض خان آمان آراز علی (قوجی) شیخ ملا مراد خالی خان آتا محمد خان محمد ویردی (کوچک) سعید خان

و نظر خان امیر قلیخان قره بو قومان بابا بعد امیر  
 صنایع الدوله وزیر





روز دوشنبه نیم شهر رمضان المبارک موبک طهر کوکب علیحضرت آقدس شاهی خلدانه ملکه و سلطانه از طایفه نظام حرکت فرموده رفت  
 کلاته خج کردید راه بند از طرف مغرب سمت شمال شرقی امتداد یافته تا قریه دولت آباد که در نیم فسخی و درست را راه دست از  
 میل راه بشیر شمال شده و پس از قلیل مسافتی چهاردهم که اولی موسوم به ده حیر و بعد از آن کرکان پس از کرکان گل گند و جامی  
 مسجد نام دارد در دست چپ و در زیر ابرج واقع شده است در محاذی این قرار طرف دست راست دهکده های سفیدان و قادیان  
 دید می شود بعد از آن در همین طرف علی آباد ظهیرالدوله است وزیر آن در خط راه حسین آباد ملکی میرزا مهدی زردی که قلعه خرابه و دور  
 در پهلوی آنست از اینجا گذشته در دست راست تقی آباد جان محمدان سرتیپ در محاذی آن علی آباد جان محمد خان وزیر علی آباد قریه نمدال  
 و محاذی آن که دست راست و قدری دور از راه باشد قلع علیا و قلع سفلی است وزیر نمدال قلعه حاجی عبدالله مجتهد نیراجری است بعد در  
 راست در پهلوی خط راه قلعه سرخان است پس از آن در بسیار و دور از خط راه در دهن کوه شمالی قریه میغان است و کوه در میان که طرف  
 شمال راه از طرفی بکوه شاهوار وصل است و از سمت دیگر بکوه متصل می شود و این جبال حاصل خال بطام و استر آباد می باشد و از آن گذشته  
 در سمت چپ ای زرگر و نصیر آباد و چاقاق و پرو و سید آباد و قلعه میرزا محمد علی و قاسم آباد علیا و سفلی می باشد که هر یک جزئی از آبادی  
 دارد و محاذی این قرار دارد که کوه شمالی می باشد قلعه محمد آقا و کرمن و قلعه سفید و قلعه نو و خرقان و ابر می باشد که مجموعاً  
 پنجاه خانوار سکنه و باغستان یاد دارد در نزدیکی آبادی قان بر روی تپه مقبره شیخ ابوالحسن قانی قدس سره است که از هر گونه زنی  
 و خرابت متصل باین مقبره مسجد مرتفع و بسیار مرتفع که منتهی می شود بکعبه ای که بشکل مخروطی بی شباهت نیست و ظاهر سبزه کاری  
 کاری کرده اند از گنبد و کعبه که بنحویع مزین و شگفت است معلوم می شود که این مسجد را در عهد سلطان ابوسعید مغول گریوچ نوین بنا  
 با بجه قریه خرقان و قرامی متصل بان آباد و دارایی باغستان یاد و میوه جات می باشد و آب کلیه قرامی و روز از قنوات است و از خرقان گذشته



تاکلاتیه خج راه در نال و باد و یکبار بطرف مشرق است از بطام تا خرقان بقعیده مالی سه فرسخ و از آنجا تا کلاتیه خج سه فرسخ و لی هفت  
فرسخ تمام است کلاتیه خج و خج و و قریه است از اعمال بطام و فاصله بین این دو یکده چهار هزار ذرع است اولی در سمت غربی در  
جلگه و دومی در طرف شرقی آن است بیوات کلاتیه خج مطبق بر روی تل مستدیری ساخته شده و عبارت از پانصد خانوار است  
و خج نیز بوضع کلاتیه خج و دارای صد و پنجاه خانوار میباشد آب این دو قریه از قنوات و چشمه رود هر یک از دو دیکه تقریباً  
با متداد نیم فرسخ باغستان دارد سکنه بومی و اهل همین ناحیه میباشند ارتفاع کلاتیه خج از طهران یکصد ذرع است

روز سه شنبه چهارم از کلاتیه خج تشریف فرمای چمن خورش سلاق گردید از جلگه که کلاتیه خج در آن واقعست قدری که بطرف  
چمن خورش سلاق میرود دو کوه طرفین را دیکه یکدگر نزدیک شده و منتهی شکل میدهد که آب کلاتیه خج و خج ازین سمت به قریه فرورود  
و قبل از آنکه داخل دهن شوند در طرف مغرب تل میباشند که در انتهای آن آثار قلعه خرابه بنظر میآید که مارین قلعه مربع بان وصل  
و قلعه موسوم بقلعه دشتی از محاذی این قلعه داخل نمیشوند و سکه بواسطه کوه موسوم بچهل دختر و دره یاد و سکه میشود که سکه دشت  
معروف به سینه یاه و سکه دشت را مشهور به سینه باغوشا خط راه در دره است و دیوار و جبال طرفین اشجار اورس و زرشک و پس از آن  
بگردنه زرد الو فروش رسیده ازین گردنه سر ازیر شده و در چمن خورش سلاق میشوند گردنه زرد الو فروش که حد فاصل بطام و استرا باده  
در جانب جنوب چمن خورش سلاق و کوه سمت مغرب آن موسوم بچل پنج و کوه طرف مشرق یا رطاق و کوه جهت شمال و چکل خورش سلاق است  
جبال فرورود بکلیه چکل اورس دارد آب چمن خورش سلاق از چند چشمه است که یکدگر وصل شده و رودخانه کوچکی تشکیل داده از سکه فرغن که میآید  
مشرق و شمال و قعده سمت تل آباد میرود اما چون آب کم است بیل آباد نمیرسد و در جلگه خورش سلاق تقریباً یک فرسخ و در طرف مغرب است  
در چمن خورش سلاق غلبه موجود است در نستان در خورش سلاق برف زیاد می آید ارتفاع خورش سلاق از طهران چهارصد ذرع است

روز چهارشنبه پنجم مکه سعید بهایون از چمن خورش سلاق بجوالی قریه تیلاباد از خاک فدر رسک استرا باده نزول جلال فرمودند  
اینحضرت نشانی درین روز از راه چشمه سرخ حرکت فرموده که بود جلگه و یک ارغالی در کوه چشمه سرخ سکارشت مبارک گردید از خورش  
تا تیلاباد دو فرسخ و راه تقریباً از جنوب شمال است و دیگر فرسخی تیلاباد و مرعه است معروف بکلاتیه غیر که اما فراده در آن مدفون است قریه  
تیلاباد پنجاه خانوار سکنه بومی است خانوار غریب دارد آتش از یکدگر شفات و چشمه رود فاضل آب آن بکرکان آق قلعه میرود و زراعت تیلاباد عمدتاً برنج و حبوبات  
کندم و کوههای جنوبی تیلاباد موسوم بچل پنج و شمالی معروف بکوه تیلاباد و مغربی مشهور بچل یورت است تیلاباد چهارصد ذرع از طهران است  
روز پنجشنبه ششم حوالی قریه پستان از مال نزدیک مضر خایم گردون چشم بهایون گردید از جلگه تیلاباد قدری که طی مسافت میباشند

چل  
فی بیان است



تنگه موسوم بکوش داخل شوند عرض بعضی از جای این ده سنگی به فرغ میرسد و امتداد دره بکفر سخت و تنگی بگردن کوچکی شود قدی  
ازین گردنه گذشته گردنه دیگر است که از کتل نبی میسانند از سر این گردنه فرای تنگه چال و امونا و حسین آباد که جزو قدر یک شهر آباد  
دید میشود و بعد کاشیدار بنظر می آید کاشیدار قریه است در طرف شمال راه در روی مکرکوه واقع و دارای سیصد خانوار آبادی  
آب آن از چشمه سار و اما فراده دارد موسوم بحجره و کنی بابو القاسم و بفرنج که از کاشیدار میگذرند بقریه گلستان میرند گلستان  
که در طرف مشرق کاشیدار و در دره و آب دیکه است که کوچ بند شده و شبیه قلعه میباشد جمعیت آن شصت خانوار و آب از چشمه  
و رودخانه از دره گلستان از شمال بخوب جاریست و آبادی در کنار این رودخانه میباشد از تیل آباد تا گلستان قریب چهار فرسخ است  
و ارتفاع گلستان از طهران تقریباً صد و بیست فرغ میباشد

روز جمعه بیستم موکب منصور خسر وانه ایداته تعالی بنصره از گلستان شریف فرمای چمن کاپوش گرد از طرف جنوب غبی دره گلستان  
به ربع ساعت که راه طی نمود قریه تنگه بن (تنگن لا قلوبن) است که آب آن از چشمه سار متعد میباشد و این چشمه سار از دامن  
کوه بلند غربی مشهور بقبلی وزیر گلستان هوای این قریه بسیار سرد و یلانی و اطراف آن با و خالب شجای حنظل درخت میوه است  
تمام دیم و آب چشمه سار مخصوص سینی است جمعیت تنگه بن متجاوز کافرنج که ازین دیکه بطرف شمال طی مسافت نیمه بگردن میرند که از  
بالای آن چمن کاپوش است و قریه موسوم به نانیک در زیر این گردنه است و تمام راه در حنظل و چون بفرنج از گردنه سرار میرود از دو  
کوچک که بر یک دو سنگ آب و آبهای نانیک است عبور نمایند و بچمن کاپوش رود میکنند کاپوش چمن مسطحیست و فقط یکسره  
موسوم به بورت شاه یا دشت شاه که در دوزخه توقف موکب اصلی مضرب خیم با شام معلی میبود این چمن از طرف شمال محدث بکرکان  
از جانب جنوب بزدین از مشرق کاجرم و از مغرب بفرنگ و فارسین و قدر یک دو و بلکه موسوم بشاه یورنی بفرنجست در طرف جنوب  
کوه سنگی بلند خالی از حنظل موسوم بچماقلو میباشد و در جنوب غبی کوه خواجه قنبر که مستور در شجای حنظل است و قریه نانیک در همین کوه  
در سمت مغرب تلال مرتفعه موسوم بقلعه است که آن نیز مستور در حنظل و در شمال و شمال غربی کوه معروف به کوه که بطلعمودی بی دامنه است  
و درختهای حنظل آنرا پوشیده در جنگلهای کاپوش درختهای مثمر بسیار و انواع سکار موجود و آثار آبادی یاد دیده طایفه کرایلی در آنجا  
شهری داشته اند که خرابه های آن بنظر می آید و در دانه کوچک از چشمه سار کاپوش سنگل یافته و هرگز زیر حسین آباد زردین که در محوطه کاپوش  
یکی شده بطرف فرنگ و فارسین جاری گردیده به سمت کرکان میرود هوای کاپوش در رستان سرد و برف زیاد میاید ولی در اول بهار  
بزودی بآب میشود در کاپوش از طيور مرغابی و زنگوله بال که مرغیت مخصوص این ناحیه قراول بسیار و یک تیهوئی یاد است



تسبیح با زین حرف حال بلکه در دست کوه سرانگوده واقعه و حاصل آن گندم وجود خود و حب ابراست که بمیدیم است ارتفاع  
زین کاپوش و حیران بیکه رجه و سردی آن از بابت وجودیه باشد در تابستان غالباً بفته بکمرته در کاپوش باران می آید  
در بیت یستم و بیت چهارم طران اول طلوع شتاب میزان حرار و رطوبت درجه ارت بالای صفر و در طهر نوز درجه و عصر در بنده درجه فرار میگرد  
در شبیه ششم و شبیه نهم و دوشنبه و جم در چمن کاپوش اتراق شد و یار محمد خان بهام الدوله ایلیخانی شاد و حکمران ولایت بخجورد و با  
بخجوردی رؤسای تراکه کلان که ابو جمعی مغزی ایستند در اینجا تقبیل عتیه خسروانه فایز و شمول عواطف شاهنشاهی کرد  
رؤسای تراکه کلان بخجوردهای یونی سرفه از کردید

اسامی رؤسای تراکه کلان که بخجوردهای یونی سرفه از کردید

حکیم بردی شان سپهر چمن بردی شان خالی که حالادر کرکان بکنی دای قلع ایشان که از طایفه قراغینان است <sup>طایفه</sup> خوجه قلیخان ریش سفید  
اندروشی تقی خان ریش سفید طایفه حاق بیکه لی عوض نصخان ریش سفید طایفه قراغینان مراد خان ریش سفید طایفه با  
حمید خان ریش سفید ارکلو شامی خان ریش طایفه طقمش مصطفی قلیخان ریش سفید طایفه طقمش طغان و دیخان ریش سفید طایفه  
آمان خان سپهر خوجه قلیخان طغان و دیخان ریش سفید طایفه شاک شاک و منصور ریش سفید طایفه کرک قربان ریش سفید کی از طوائف قرق  
ایمخان ریش سفید کی از طوائف قرق بهادر خان ریش سفید کی از طوائف قرق آتور و دیخان ریش سفید کی از طوائف قرق آمان خان ریش سفید کی از  
طوائف قرق کریمخان ریش سفید کی از طوائف قرق جعفر بای سردار و سواره ابلک سردار برکلی خان ریش سفید طایفه چغتای  
مصطفی قلیخان ریش سفید کی از طوائف قرق آدرجن خان ریش سفید کی از طوائف قرق خواجه نظر خان ریش سفید کی از طوائف قرق  
محمد رضا خان ریش سفید طایفه آق کل طغان و دیخان چاق قربان خان ریش سفید طایفه کرک نوری سلام شان بی سواد  
آماراد آخوند آدینه خان حسینعلی خان نایب الحکومه کلان

تیر بعضی از معارف فدرسک که بهر اهی تیر تیر قلیخان سرتیپ فدرسکی از خاکپای بیون شرف اندوز گردیده بخجوردهای یونی  
منقرض گشتند و اسامی آنها از فرستاده ذیل است

علی خان علی کبیر خان تیرز اتقی تیرز محمود کر بلانی میرزا غلام تیرز حبیب الله تیرز آقچ <sup>میرزا علی</sup> تیرز علی  
نوروز محمد بیک کلانتر آقا جان بیک کلانتر میر سید علی کلانتر

روز شنبه یازدهم موکب فرزند کوهک بایون از چمن کاپوش اتراق فرموده بخجوردهای یونی سرفه از کردید



از کال پوشش نبردین و فرسخ راه است و زیاده از یک فرسخ که حتی مسافت نمودند بگردنه میرسند معروف بقله کرک این گردنه در طرف شمال نبردین است از آنکه سرازیر شد بجلگه نبردین و رود سیما بند طول جلگه نبردین از مغرب بشرق تقریباً پنج فرسخ و عرض از شمال بحسب فرسخ از شرق محدود بدو کوه به و از مغرب بکوه بوده که متصل بزیوان است از شمال بکوه آق قبه و از جنوب بکوه آت داغی که کوه سنگی خشتی است نبردین عبارت از قلعه که مثل برسی صباب خا است و بعضی ساکن بیوتات و بناج قلعه نیز ساخته اند آب نبردین از قنات چشمه است باغی که دارد پنج قریه دیگر نیز متعلق نبردین است و آن کلستان قلعه بن حسین آباد و باغچه و نایک است و قلعه بن حسین آباد و باغچه و نایک در کال پوشش واقع است ارتفاع نبردین از طهران یکصد ذرع است بعضی اوقات در نبردین زلزله های سخت میشود

روز چهارشنبه دوازدهم مویکب مسعود بهایون از نبردین تشریف فرمائی را از قراچی جبرم کرد راه هشت فرسخ می باشد آمده اند از راه بشرق ابتدا در تالاب و باد و است کوه کریم می باشد پس از طی دو فرسخ راه بگردنه میرسند که سرازیری آن یاد تراست و بواسطه نزدیکی کوه های طرفین در تشکیل باقیه و در طرف دست راست این دره دره تنگ دیگر است موسوم بدره سنگ سوراج کن و چشمه آب شوری بهمن در آن دره است که آب کمی در آن چشمه نایب است که دارد جلگه میشود و کوه های اطراف معدن طلق زیاد است طول دره که خط راه در آن ممتد است نیم فرسخ و بعد از آن ارد جلگه شده یک فرسخ و نیم که راه می رود بدماغه کوه طرف شمال میرسند زیر این ماعه حوضی است که آب باران در آن جمع میشود و این حوض مینی و بنا به میگوید قبل از رسیدن به مینی و بنا به محلی است موسوم به جوز اشکات که انتهای خال نبردین و ابتدا خال جبرم است در دو طرف راه دورشته کوه آمده اند که غالباً یک فرسخ است الی دو فرسخ مسافت باین دو کوه است در نزدیکی دره که منظر کا است در طرف دست راست از دور بعضی اشجار دیده میشود از قرار مذکور چشمه و آنجا است که آنرا کوه چشمه میگویند قریه دره را در قریه میسند و تقریباً صد خانوار سکنه حمام و مسجد و باغستانی دارد آب این قریه از قنات است دره یکصد و پنجاه ذرع از طهران پست تر است

روز پنجشنبه نیر و نیم ظاهر جبرم مضرب خیام کردون قشام خسروانی کرد از دره تا جبرم تقریباً دو فرسخ است نیم فرسخ که از دره بطرف جبرم می آید که آن نیز از قراچی جبرم است در طرف دست راست راه واقع و پس از نیم فرسخ دیگر قریه کرمانه است در طرف دست چپ راه در نیم فرسخی جبرم در طرف مغرب بر روی کوه تپه ناندی قلعه سندی است معروف بقلعه جلال الدین که از سنگ آجر و گچ ساخته شده و عبارت از شش برج و چند بورت و دوز قلع از بیرون تقریباً صد ذرع و قطر دیوار آن در بالا که در محل راه رود و نزدیک منقل است سه ذرع و ارتفاع دیوار آن ده ذرع و چاهی در میان قلعه می باشد که ظاهراً برای آب قلعه حفر کرده بوده اند این قلعه بجهت قراولی و نمکبانی بنا شده که یکی از استحکات است آب عمده جبرم از چشمه است که از زیر این قلعه از طرف جنوب غربی آن خارج میشود و تقریباً پنج فرسخ است آب دره که



جای جرم جایت این آب بسیار غلیظ و باران کوه کرد است شهر جاجرم که حالاً قصبه معتبر است دارای قلعه و بروج و باغستان باد و در  
آن بر روی تل مصنوعی مرتفعی قلعه است خراب خالی از سکنه از بلاد قدیمه و در کتب جغرافی قدیم مذکور و در کتاب سفرنامه مبارکه خراسان  
در سال هزار و دویست و شصت و سه که تعلیم معجز قم بایون نگاشته شده و در کتاب مرآت البلدان مفصلاً مکتوب است و در واید اطلاعات  
حاصله در این سفر خیر اثر در مقام و محل خود با شریانی و بطنی لایق ایراد خواهد شد جاجرم دویست فرسخ از طهران پست تر است  
روز جمعه چهاردهم در ظاهر جاجرم اتران شد

از میان قبایل سیاه و آل علیختر شاهنشاهی دام ملک در این سفر سعادت اثر امانی اردوی بایون از هر جهت مباحثات بسیار  
و رفاهیت فرسودگی امور و در وجه نظم است و فی الحقیقه بنیات مجموعه دارد و بنا به شهرت جامع که هر چند از لوازم زندگی کافی و اسباب  
آسودگی در آن موجود است چه اردو و بازار مغربی دارای بر قسم بکان و امتعه و اقش و کسب و ارباب حرف بار و دوی معنی در حرکت است  
که هر چند قهرمین رکاب اعلی نخواهند بدون معطلی در این اردو و بازار حضور آمده است و در حال سهولت بدست می آید و بشیر الملک شاطر با شمس  
اردو و بازار در ترتیب و نظم آن و وضع معاملات تسهیل عمل می آید و بنده می کامل نموده که اسباب ضایع و غرضه خیاط و خطیر بایون از مغربی است  
اعتماد

در غرضه های سابق در تعداد و شرح اسامی قهرمین رکاب اعلی از دست تجارت و شخص مکید و فقره ترک تفاق افتاده و کمال غرضه بی  
در نخل اظهار میدارد و اولاً پوشیده و نباشد که دست از سواران قاجار بر ریاست میرزا محمد خان و لده غرضه الملک خوانا از خازن مهر مهر مار و  
ایل اصل قاجار وزیر حضور شرف قهرام رکاب اعلی دایر ثانیاً میرزا محمد تقی وکیل شکر که بار دوی بزرگ بود و در شاهرو و بار دوی  
پوست نیز در عدد قهرمین رکاب بایون است همچنین حشمتی خان سرتیپ سواره ار با سواره زرین کمر که ابوبکر جمعی را لایه است بایون  
شرافت عظمی نایل میشدند

### اعلان

در روزنامه شرف نهمینم تاریخ تاریخ شهر شعبان در شرح حال نصیر الدوله وزیر فلاحات و تجارت عبارتی نوشته شده بود  
موجم اینکه وزارت کمرنگانی های ممالک محروسه از جمله مشاغل مغربی ای می باشد برای دفع توهم اظهار میدارد که وزارت کمرنگانی  
ممالک محروسه از مشاغل مخصوصه این سلطان زیر دربار عظمی و خزانه عامه می باشد و کما کان مستقلاً این وزارتخانه را اداره نمایند  
نصیر الدوله وزیر انطباق است  
و خیر و در این وزارت







باغستان آن خیلی بیشتر آبش از رودخانه قنات آنجا دارد و آنرا که بقول امانی فرزند حضرت امام موسی کاظم علیه السلام و موسوم ازین است  
یکی دیگر از قریای ریه در آنجا است در سمت مغرب منحصراً برای شست خانوار آبادی قلعه محکمی مشتمل بر شش برج که در بالای تپه است و نام  
جس بنیه مسجدی دارد باغستان آن قلیل آب آن منحصراً برای زرد و شوخان آبی دیگر از قریای ریه در آنجا است آب این قریه نیز از رودخانه  
و سکنه آن بیت خانوار است نیز از قریای این ده قلی است واقع در مسند کوه موسوم به حسین اسم که قسمتی از صعلوک میباشد این قریه در اینجا خانوار  
آبادی باغستان آبش از رودخانه چشمه و قریای منفرجه قریه باطنی است موسوم بر باطنی و کمال مساحت و تمام بنای آن در سنگ است  
و کج خالص درخت این باغ فرو کذاشت شده است به سبب بخت بسیار خوشی بالای بر روی سنگ سخت بود قلی ریه نمود که بعضی  
باقیت و قلی باغ ناکه صحت نخته شده این بنا از بنیه قبل از سقوط است و طبع غالب آنکه در زمان آبادی کان این باغ و بعضی باطیات یکدیگر را  
که از خراسان بزرگان بوده است با بجه از قریای کوره بعضی مزارع و آبادیهای دیگر است که آنها نیز متعلق بچهارده است امروز در این  
قلعه بنی کلب اصلی چند اسکنان و خردکار کرده و یک را کوه خرمین و چند صید است مبارک شده آنرا کوه نمزل آورده قریه خراشا و دست  
از طهران است و غالباً بادامی سخت درخت میوز و روز یکشنبه شانزدهم در خراشا اتراق شد

روز دوشنبه هجدهم حوالی قریه ریه مضرب خیم کرده و آن خیم خمره ای کرد از خراشا تا چار بید تقریباً چهار فرسخت را از ابتدا از شمال جنوب  
و پس از طی مسافتی قلیل در طرف دست چپ راه قلعه خرابه است که از قلعه نمین بعد از آن داخل دهنه میشود که از کوه صعلوک و کوه باغشکیل یافته  
از دهنه که خارج شد قریه کرف یا جرف و دامنه کوه باریده شود آب این قریه از چشمه و سکنه آن است خانوار و رودخانه نیز از ریه میگذرد  
قدیمی از اینجا گذشت باز کوه صعلوک و کوه باغشکیل و قریه در مسند کوه صعلوک بنظر میآید که از آنجا در بند میگویند سکنه این قلعه تقریباً چهل خانوار  
و باغستان کمی دارد از دهنه گذشته راه از مغرب بشرق میآید و متد میگرد و پس از طی مسافتی در طرف دست چپ بقعه است که بعضی مردم  
این ناحیه را مراد بر اسم بنی کاظم علیه السلام در این بقعه مدفونست و پهلوی آنجا مراد دهنه منفرجه است و آثار قلعه خرابه در روی تپه نمودار است  
در طرف غربی تل مذکور چشمه است که پشت سنگ آب آن جاری بدین کوه صعلوک و کوه باغشکیل و در سطح جرف می رود اینجا ابتدای کوه شوخان  
که از جنوب کوه صعلوک و از شمال کوه آلا داغ محدود است درین جلگه چند آبادیست یکی قریه جویشان که در دست چپ راه در دهنه آلا داغ واقع  
و دیگر قریه شوان که آن نیز در همین طرف است پس از آن قریه دو برجی و قریه بام و قریه خندار و قریه نور که در طرف عین راه و در دهنه کوه  
صعلوک است و دیگر قریه شوخان که در طرف سیاراه واقع و با هم جلگه است و از اینجا جلگه سنگ مثل دره شده و منتهی تقریباً چهار  
میگرد که آن نیز در طرف دست چپ راه است و قریه چار بید که از منتهی آن مضرب خیم معلی گردیده چهل خانوار سکنه دارد که همه  
شاه و میباشند ارتفاع چار بید از طهران و دست و پنجاه فرسخ است



روز شنبه مجیدم از پاریس شریف فرمای فریسه وزه گردید راه پنج فرسخت و بعد از آنکه از مزارع چار بید خارج شد از میان تنگه که از ملل  
کوچه صعلوک و کوه آلاغ نسیل یافته میگذرد و در نزدیکی تنگه سه فرسخت موسوم بحصار و کتلی و کلاته شیرین در اینجا بانترین بی وزشک تری می  
شود و کوهها درخت اورس دارد و چون نمفرنج از دهن تنگه مسطوره گذشت بگردنه صعو میسپارند که موسوم به خشک زو میباش (ز و معنی دره)  
همیکه نمفرنج بالا رفت بطریق میرسد که معروف بخت خانت قدری کم از اینجا گذشت بعضی بادیهای میس که صعلوک که در طرف دست راست  
راه است از دور دیده و آن بادیه موسوم به گریوان و حصار شامو بخان و خستیان و قیسانه است و آب این از چشمه عین لطف است که از پاره  
کوچه صعلوک جاری تقریباً در ابتدای میان بیک آب دارد و از جنوب بطرف شمال شرقی روستا عین لطف در اصل عین لطیف بوده از کثرت استعمال  
عین لطف شده و این آب بغیر وزاده و طرف بخور میرود قدری دیگر که طی مسافت شده بدو تنگی میرسد که عرض آن با اختلاف اندک از  
فرع الی ده فرسخت و زیاد از صدیج و خم دارد تقریباً سه فرسخت و سه وزه دیکه است آباد دارای باغات زیاده و خانوار سکنه و مسجد و  
اماکی کرد و گوشت که زبان آنها ترکی است ابریشمی و پنج اصل میاید امروز در میان نواب کن لدوله حکمران خراسان و سیستان و بلخ  
پیکار خراسان قبیل کلب علی مشرف گردید بر احم خاصه سر وانه عباسی و شمول گردید فیروزه که قصد فرعیست راز طهران است

روز چهارشنبه نوزدهم مکتب خنده کوب شایسته غرضه دام ملک از حوالی فیروزه تنگه که در ظاهر بخور و نزول حال فرموده راه فرسخت  
فرسخت خط راه در طرف شمالی جلگه واقع ورشته کوچه صعلوک در طرف جنوبی و سلسله کوه آلاغ در طرف شمال است در طرفین و بعضی قرا و قلاع است  
که اسامی آنها ازین است قلعه کچانی قلعه محمد خان قریه ترانو قلعه قلیجان و کلاته هلاک قلعه تپه قلعه قبرانو قلعه قرا باشو قریه شاه  
قلعه آلهو بخان حصار شیر علی بیک قلعه غریز و کلیه این قرا و قلاع دارای بهمان آب آنها از رودخانه است که از چشمه عین لطف جاریست  
اما شهر بخور که در نوبت و کتب بزرگ و میونسند در جلگه واقع شده که طول آن از شمال غربی مشرق تقریباً دو فرسخت و عرض آن قریب یک فرسخت است  
جمعیت آن هزار نفر و دارای پانصد و شصت باب کان شش مسجد و هفت حمام و یازده چاه است و از اینجا که شرح این بلده در کتاب نفرا به یونی که در  
خبر از سال هزار و دو و شصت و شصت شده و در جلگه اول مرات ابله آن صری معلوم است و بعد از آنکه فصلان نوشته در نخل همین مختصر آریما اربع بخور  
مثل نیست

روز پنجمه شنبه و یکم و شنبه بیست و دوم و یکشنبه بیست و سوم و دو شنبه بیست و چهارم و پنجشنبه بیست و پنج و از اینجا که یار محمد خان سهام الدوله  
ایمانی نشاد و حکمران بخور و در حدت مکتب منصور شاهانه اید الله تعالی بنصره سخیانی و بعد کمال عمل آورده نیز از طرز حکومت و حسن سلوک او بار بار  
بخور و خیاط خیر بایون اید الوصف را ضعیف کردند مشارالیه را بای نشان و حایل امیر تومانی قرین مخالفت و سر بلند فرمود  
نیز در بلده بخور و در نزال کاف سردار و کس در حال اقامت داشت چون بنا بر نودت کانه و تسین ایران روسان جمعی از اصحابان و سی



بسته را که شرف حضور و محبت خورشید شاهی ام که بادت نموده و مکتب سعادت یون روز و برود استقبال که در بود مورد دعوت  
 گردید و بایک نقطه شان مثال بایون در حقیقت یافت و جمیع بستان بمرام مشارالیه نیز بهستیزات و غایات پادشاهی میل کردند  
 در ایام اتراق بخورد چون نزال کازف نیز با صمصامان و سهرامان خود در این ناحیه قامت داشت شب بیت چهارم ماه محرم المکمل و خواستار  
 مدمر آثار و اینجانی این جلیل قاجار وزیر حضور مبارک مغزی الیه را با سهرامان و صمصامان و سی و جمعی از امرای و اعیان دولت علیه که شرف تهرام  
 رکاب علی سید سید دعوت نموده سیاحتی با سهرامان و صمصامان و سی و جمعی از امرای و اعیان دولت علیه که شرف تهرام  
 که فریدی آن تصور نبود و مثل ضیافتی معتبر که در بلاد و ارباب معتمدین و بزرگان و عیون و خوش گذشت در استحکام مبان و دولت و  
 روس و ایران و دولت وجود علی حضرت شاهی و حضرت امیر طغرل ملک روس خطابه های بیان قرائت شد مجلس سبزه و خرمی ختم یافت  
 روز بیت چهارم که روز پنجم اتراق بود و بعضی اتراق بایون رسید که امین سلطان زیر دربار عظم و خزانه عامه و مکرک که دارای غده عدیده و مکر  
 نیز بودند و بواسطه ناخوشی و تپش از راه معمول و آنرا ارض اقدس شده در بین یعنی روز یکشنبه شانزدهم دینار و وزن داغی حیا  
 اجابت گفته بندگان حضرت بایون شاه خداوند مکرزاید الوصف متأسف گردید و از آنجا که خدمات مرحوم را الیه از خبری و کلی منظور طاعت  
 اثرش باز بوده و رعایت و پاس خدمات امین الملک و له مرحوم مغزی الیه را بقلب جلیل امین سلطان ملقب فرمود و تمام مشاغل معطوفه و غیره  
 امین سلطان با بیان راجع و مفوض فرمودند و دستخط جماع بایون بذل این طاعت نسبت بامین سلطان جایه غایات مبنی و در حق  
 باز ماندگان اولاد امین سلطان مرحوم از شرح ذیل شرف صدور یافت  
 سواد دستخط جماع مبارک

چون امین سلطان تمام عمر خود را در رکاب با کمال صداقت و درستی خدمات شایسته پایان انجام رسانید بر ما لازم بود که در رعایت اولاد و خانواد  
 کمال توجه و تفتار مبنی و اولاد و چون امین الملک پسر او بالارث و الا حق باید در جای آن مرحوم باشد و مشغول خدمت کند القاب امین سلطان  
 و تمام مناسبتی از خزانه و مکران خانه و غیره و غیره آن مرحوم داد بدو و آن شایسته امین الملک مرحمت میفرمایم و باید از همه اولاد و کورای آن مرحوم  
 نماید و بهمان نظم و قانونی که بود برقرار باشد و احدی تخلف نکند از این حکم امین سلطان جایه از امر و زبانه بعد از تمام خدمات محوله آن مرحوم است اگر  
 ذره کوتاهی از خدمات سپرده بخود کند مورد عتاب و عتاب خواهد شد تخیر ۱۳۰۰ قوی میل و بخورد

چون کارش مشاغل و مناسبت امین سلطان حرم و توفیق کلیه آن بامین سلطان جایه و طیفه روزنامه و قیام آن شرح را با دستخط بایون که  
 تخصیص مناسبت و قیام آنرا ملاحظه کنندگان روزنامه مبارک فرموده ملاحظه خواهند نمود  
 در موجان بخت  
 صنایع الدوله و وزیر نظام





روز شنبه بیست و پنجم رمضان مکه کب خنده کوکب حضرت پادشاه خلدانه ملکه و سلطان از ظاهر حضور تهاض فرموده حوالی نو  
مضرب خیام کردون قشام سلطنتی کرد راه تقریباً از مغرب بشرق چهار فرسخت تا یک فرسخ از سه رودخانه عبور میکنند رود عین لطف و رود  
جرمغان رود بازخانه که زیادتی آب این رودخانه باب عین لطف منحنی شده از دهنه موسوم به بابا امان بجلکه کرمنخان (جرمنخان)  
رفته از اینجا آب تبارد حل میگردد پس از طی قدری مسافت در طرف دست راست جاده قریه جوت یا بیداست که چهل خانوار گرایلی شادلو در آنجا  
سکنی دارند قدری که از اینجا گذشته ده چهاران است که تقریباً بر ذرع عرض آن میباشد در این ده در دهانه کوه غربی قریه است  
بقلاق که سکنه آن نیز شادلو و گرایلی و شاد خانوار میباشد قدری از قشلاق گذشته در طرف شمال ده و در دست چپ قریه کوک کمر است  
که باغستان معتبری بر قسم میوه حتی پسته درختان دیده میشود بعد از آن چشمه کالنگ است و در نزدیکی آن چمنی است معروف به انگ بورت پس  
از آن طرف همین ده طویلی است که در انتهای آن قریه بنوعی شباهت این قریه در دهانه کوه منحنی است که شجر با شجار او شس میباشد و چشمه از آن  
کوه منبوجار است که این قریه و دره را مشروب میزند و در بالای کوه ما فراد است موسوم بشاهزاده سلطان برهم از محاذی این دره گذشته در  
خط راه در آن اقصیت و سمت یافته در طرف دست راست راه در آن دره روی نمیشکلی قریه چارن منبوجار است که باغستان آن تا کنار راه منبوجار  
این دهکده دارائی شاد خانوار سکنه شادلو و گرایلی و حمام و مسجد و حسینیه است و در جنب قریه از زیر سنگ در امتداد پنج شش فرسخ منبوجار  
سنگ آب سرد کو را خارج میشود و چار عظیمی که از غرس آن تا کنون بیش از دویست سال است بر سر چشمه دیده میشود و چار دیگر نیز در نزدیکی  
که بهین جبهه این چشمه و دهکده را چشمه قریه چارن میگویند آب چشمه چارن آب نوده که بعد از ذکر میشود یکی شده چاکله اشار نمودیم که در محاذ  
رفته بنهار منحنی میشود در چارن سلسله کوه شمالی موسوم با جان و سلسله جبال خوبی آق مشهد است که چون از چارن گذشته در آن آفرای منبوجار  
و پشت قزاقی آنفرای است نیم فرسخ از چارن گذشته قریه نوده است که یکی از قزاقی رابعه بلوک چارن میباشد و زیاده از دویست خانوار



آبادی و حجاب حمام و مسجد و حسینیه دارد رودخانه نوده از چشمه شکل میساید که آن چشمه با زرد است آبی مشهد جاری میساید  
ارتفاع نوده مثل بخور دست با بجمه در این ذرا حیرت بخشان شجاع اند و لهجانی و غفران حکمران جوانان هزار نفر سوار و جوانی که همه در کمال  
آراستگی بودند بیل کباب طفر نصاب علی مستعد شسته مشمول عواطف سینه خسروانی گردید

روز چهارشنبه بیت و ششم موکب مسعود همایون از نوده بحوالی زوارم تشریف فرما گردید راه دو فرسخ و از مغرب مشرق تقریباً در حلقه  
پس از طی کفرینج راه کوه قراقیه واقع در شمال که در دست چپ راه است با تها رسید و رشته کوه دیگر موسوم به آق قری می باشد  
قدیمی که از اینجا گذشته است کوه طرف مقابل معروف به قزاقی که در سمت جنوب همین راه است با تها رسید و دامنه دیگر از کوه آق  
مشهور به تخته میسر از شروع می شود باز قدریکه راه پیوسته میسرند تقریباً کوچک شکر که در دست چپ واقع و تقریباً ده خانوار سکنه دارد و تقریباً  
حد فاصل خاک بخور و جوان است و خرابی این بکده امروز در طرفین راه پس قسم آبادی نیست اما زوارم که بمعنی دزدان است و بکده ایست که  
از غریبه و بومی چهار صد خانوار سکنه دارد و بیهاتر که قمری از فارسی قمری مراد شده و اصلاً ترکمن میباشند و بآب مسجد و یک حمام و دو دروازه  
قافله اندازد در این آبادی است و در میان آن تپه ایست مصنوعی که در قدیم بالای آن قلعه بوده آثار آن الآن موجود است و خانه های بادی چای  
دور تپه ساخته شده است آب اینجا از چشمه سار است و یک فقره حاصل عده این صنفیات بر ششم میساید ارتفاع زوارم مثل طهران است و  
در کمال خوبی میساید روز پنجشنبه بیت و هفتم در زوارم اتراق شد

روز جمعه بیت و ششم موکب طفر کوکب شاهانه از زوارم تشریف فرمای شیروان گردید خط راه از مغرب مشرق و فیمابین و کوه است  
که اغلب از هزار ذرع الی دو هزار ذرع فاصله من جلیلی میساید نیم فرسخ از زوارم گذشته در دست چپ کوهی است با تها  
مرتفعتر که از دور مخروطی بنظر میاید این کوه را امانی کوه سار می نامند زیاده از کفرینج که از زوارم گذشته در طرف سیار راه بقعه معروف  
به مشهد سلطان محمد رضا میساید و آن بنایی است از آجر و گچ و خاک مثل بر ایوان و دوا طاق که در جنبین ایوان است و بالای طاق  
بهین بالا خانه آباد و قریه آن بالا خانه خراب است و در بیرون بقعه ایوانچه برای مسکن عابرین تهر داده اند اصل بقعه مربع متساوی الاضلاع  
و ارتفاع بقعه که منتهی بکعبه می شود هشت ذرع است بالای قبر صندوق خوبی مشکلی است که در سال هزار و دویست و دویست و پنجاه  
ساخته شده و در صندوق سلام و صلوات و اشعار چهارده معصوم منویش بهای علیهم السلام تا آخر کتیبه شده است در نزدیکی  
اما مراده بعضی انبار و خانه سید متولی است از قرار مذکور قریه مشرقی که در اصل مشهد طرحی بوده در بالای سراسر این اما مراده در طرف  
شمال بقعه بوده و متوید این قول اما در شهر یا قصبه ایست که در محل مزبور دیده میشود بعد از بابت آب مکان این آبادی نقل به ثبت شد که



از طرف جنوب غربی بقعه و قمت نموده و آبادی اینجا رو بانه نام گذاشته است و مشرقی حالتی دارای شصت هکتار خانوار سکنه و بسیار  
زیاد است و اما فراده مذکور بقول مشهور برادر حضرت امام رضا سلام الله علیه است ولی سندی از آن در قیاب بدست نیامده است  
نیم فرسخ که از اما فراده گذشته جلگه وسیع شده در طرف دست راست و در از خط راه قریه زرمقان است که زیر جلایان افشده و جلایان  
از قرای معتبره این ناحیه است و از قرار تقریر امانی یک موقی شیروان از توابع جلایان بوده است در هر حال از مقابل زرمقان که تقریباً  
خانوار سکنه دارد راه بطرف شمال منحرف میگردد و پس از ربع فرسخ در طرف یمن قریه قنوان است که پنج شش سکنه آب از چشمه دارد  
و قلیل آبی هم از رودخانه جلایان به قنوان آمده بجانب شیروان میرود و صد خانوار از ایل کرد سیوانلو در قنوان ساکنین و قشلاقی دارد  
اما شهر شیروان قصبه بزرگ است که تقریباً هزار و پانصد خانوار سکنه و قلعه دارد مثل برج و همین تناسب دکانین و جامع و حمام و حصنه  
و سایر لوازم شهری آن موجود و مشهود است در طرف مغرب در خط بلد تپه است مصنوعی که نارین قلعه بلد بوده ارتفاع آن از سطح شهر  
پنج ذرع و قطر تپه از بالا از طرفی صد قدم و از طرف دیگر شصت قدم میباشد که طرف جنوبی موسوم بقراول چکه ویش قاروش و هلو  
قراول چکه در طرف مشرق کوهی است پست که از آن آغز قوق لی میسازند پائین تر از کوه آغز قوق لی کوه چاق و پست آغز قوق لی  
کوه بلند موسوم شاه جهان است کوه طرف شمال شیروان معروف بکوه یقی است که قرای سکنه و یغن که در اصل باغان است و قریه یخی  
در زیر این کوه میباشد در طرف شمال ایل مغرب شیروان کوهی است مشهور به تپه کوه و در طرف مغرب کوه آجان است که نسبت  
و کرمخوان امتداد دارد در طرف مغرب ایل جنوب کوه مختصر است موسوم به آوج قاروش که بالای آن اما فراده است و در زیر آن  
معروف بقراول میباشد رودخانه شیروان که از سمت جنوب شهر میگذرد و سرچشمه آن از نزدیکی در کزورادکان از پهلوی قلعه  
ایک و تبرک است و در فصل بار تقریباً بیت سکنه آب رود و در پاییز کمتر رود تا بستان غالباً سه ماه خلوت و در زمستان بعضی اوقات  
طوری پنج میسبند که از روی آن عبور میکنند از قرای معتبره شیروان آمده آباد است که چهار صد خانوار سکنه و باغات زیاد دارد  
قلعه آمده آباد بقعه است که معروف بشیخ مقدم میباشد و هات طرف مشرق شیروان تابع قوچان است و آب هات منور و  
از رودخانه بعضی از قنات و قلیلی از چشمه است نهی از میان شهر جریان دارد که اصل آن از قنات میباشد وضع شهر ابتدا مربع و  
و استطاعت آن از مشرق مغرب و بعد به طرف شمال در نصف کمتر از طول شهر قدری فرو رفته است در حوالی سهیلی است که  
فصل باریکی از آن میل جاری شده اکثر باغات شهر را مشروب نماید ارتفاعات شیروان و سر درختی و صیفی کاری از خرب  
و بند وانه و پنبه و غیره بسیار ارتفاع شیروان مثل طرانت و راه از زوارم تا شیروان فرسخ میباشد



روز شنبه بیت و نهم موکب منصور شاهنشاهی آید و نه تعالی بنصره انشیروان نهضت فرما کردیده قریه بزرگ آباد مضر خیم سپهرام  
سلطنتی کردیده راه سه فرسخ و از مغرب مشرق در جلگه ایست که یکفرسخ عرض آن میباشد تقریباً بعد از طی یکفرسخ راه در طرف دست چپ  
قریه امیر آباد شجاع الدوله است که پانزده خانوار سکنه دارد و آتش از قنات ازین قریه گذشته در طرف راه آبادی دیده میشود  
بعضی قرای شیروان که در دهستان کوه شمالیت و ذکر آنها در شرح شیروان شده است و در سمت راست و در از راه قریه  
که تابع قوچان میباشد و صد و پنجاه خانوار سکنه دارد و آتش از چشمه و تپه مصنوعی درین بکده است قریب به دوازده واقعه و قدری کوه  
از تپه مصنوعی شیروان بالای تل مثل تل شیروان سطح است و دور آن سطح چند سال قبل دیواری کشیده و بزرگ آباد صد خانوار  
جمعیت دارد و آتش از قنات و از رودخانه که از قوچان می آید در مقابل آبادی بزرگ آباد آثار قلعه بزرگ مرتعی است که بالای آن از کوه میگویند  
علامه بروج در آن هست و آثار آبادی یافت میشود ارتفاع اینجا نیز با طهران مساوی است

روز یکشنبه غره شهر شوال که عید رمضان است موکب فرخنده کوکب خسروانه از بزرگ آباد تشریف فرمای چمن لیلی کردیده راه سه فرسخ و از مغرب  
بمشرق باز در جلگه وسیعی است که زیاده از یکفرسخ عرض دارد و بعد از نیم فرسخ راه در طرف دست راست قدری در از جاده قریه فیض آباد  
که تقریباً بی خانوار آبادی دارد و آتش از رودخانه ایست که از قوچان می آید کوه شاه جهان در طرف دست راست است راه و زیاده از نیم فرسخ  
از جاده دورا در زیر کوه شاه جهان قرای میوان و گلبی و خیر آباد و سیاه دشت و حیره و دیان از دور دیده میشود و نیز در همین طرف در نزدیکی  
راه قریه برگراست که در اینجا به خانوار سکنه و آتش از قنات میباشد در طرف دست چپ راه که سمت شمال باشد یک رشته کوه نامحدادی  
کشیده است که آنرا از موله کونیند و اصل آن امرو و لوم میباشد بعد از آن رشته کوه دیگر است موسوم به شاه داغی و چند قریه زیر این کوه است  
از جلگه نجف آباد که زیاده از صد خانوار سکنه دارد و سعد آباد و خواجه آباد و جهان آباد که تازه آباد شده و کل با دام و حصار که پنجاه خانوار سکنه دارد  
و آن باغ که آبادی آن بقدر حصار است و خوشان کهنه که آن نیز دکه ایست با صد خانوار رعیت آب با دانیهای مریبوره از قنات  
نیم فرسخ از برگرا گذشته در طرف سیار وصل بر آه قلعه خرابه ایست که بروج و خندق معتبری دارد و آنرا اهل آباد خرابه کونیند قدری از علی آباد که  
قریه یام است که وصل چمن لیلی میباشد سکنه آن تقریباً پنجاه خانوار و در نزدیکی آن تپه مصنوعیست معروف به یام تپه از یام تپه گذشته  
چمن لیلی است که در این نواحی گنبد لیلی میگویند و چمن بسیار وسیعی است نیز در اوایل همین بکده کوه چلی است موسوم به قنات که بعضی  
باغ و باغین دارد ارتفاع اینجا نیز مثل منزل سابق است

روز دوشنبه دوم شوال طاهر قوچان مضر خیم سپهرام سلطنتی کردیده راه از مغرب مشرق و دو فرسخ و در جلگه وسیعی است بعضی



پایان در حداد دید و در این سیرج در پهن سلی دور شوند قریه در خط راه است موسوم بمغزار بادی سکنه آن چهل خانوار است  
از فاقات قدری از آن گذشته در طرف سیار راه اما قلعه خرابه نمودار است که به مصنوعی وسط آن دیده شود و این قلعه را حکم آباد میگویند  
باز قدری طی مسافت نمود قریه اتر آباد است که خط راه از میان آن میگذرد و قریب بخانه خانوار سکنه دارد از اینجا گذشته به  
توچان که اغلب برستان میباشد توچان که در اصل خوشان است مغول آنرا توچان میگویند و باین اسم معروف شده است از شهرهای  
معتبر کردستان است پنج شهر از خانوار سکنه دارد آباد کالین بازار معتبر و قلعه که دارای چهل برجست و میتاب مسجد و حمام  
و اما فراده بسیار معتبری معروف بسلطان ابراهیم که از قرار مذکور فرزند حضرت امام حسن علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية والثناء  
عمارت عده این فراده بقعه است بسیار عالی که بواسطه زلزله عده منهدم گردیده و شجاع الدوله اینجانی و والد او مرمت و تجدید  
عمارت نموده و الان هم مشغول ساختن کتب میباشد و چون شرح این بلده در سفرنامه مبارکه مشهود مقدس در سال هزار و دویست و شصت و دو  
که تعلیم مغیر قم مبارک نگاشته شده مطبوع و بعد بمیر فضل نگاشته میشود در چهل بهین قصار میبایم ارتفاع توچان بطهران میسازد  
روز سه شنبه سیم شوال و چهارشنبه چهارم در توچان اتر آمد و محضر ظهور مرحوم خاصه طوکانه در باره امیر شیخان شجاع الدوله اینجانی  
حکمران توچان که در ذات موکب ظفر نشان مساعی موفوره و استقامات لایقه نموده بود مشارالیه را بمنصب حلیل امیر تومانی خلعت مهر  
طلعت بهایون مفتخر و مباہی فرمود

روز پنجشنبه پنجم شوال موکب مسعود بهایون از ظاهر توچان تشریف فرمای علی آباد گردید راه چهار فرسخ و از مغرب مشرق در جلگه وسیعی میباشد  
کوّه طرف شمال که در میان راه است موسوم بقراول میباشد و چندان ارتفاعی ندارد در پشت کوّه قراول همان امتداد کوّه و دلتخانه  
کوّه طرف جنوب که دیرین است مخدیک میباشد و عرض فاصله فیما بین دو کوّه تقریباً یک فرسخ است و ماتی که از دور در دهن کوّه مخدیک  
دید میشود موسوم بنیت و چند آباد و زردان آباد و نوروزی و کلونجی و گجه و ساراج و گفزی و سر و میا و آبادی و کوه کوّه دلتخانه  
که بنظر میرسد مجریک است نیز در دهن دلتخانه مقبره است که اهل آنرا پیغمبر میگویند کفریخ که از توچان در شونده در طرف دست چپ  
قدری دراز جاده قریه فتح آباد است که تقریباً سی خانوار سکنه دارد و ایش از فاقات و این فتح آباد همان فتح آباد خوشان است که در  
تواریخ مذکور متعلق نادر شاه است رودخانه موسوم برودخانه توچان که در اینجا دیده میشود و بطرف چپان جریست در این فصل که اواسط  
اسد است چهار شک آب دارد و در حومه آن میان کوّه کاس نزدیک قریه نی میباشد و کوّه کاس شمال کوّه عمارت و در شمال  
همین جلگه که خط راه در آن است واقع و رودخانه مزبور قریه کجادی قریه تورک و کرد کالی میرسد بواسطه بعضی باها فرو رفته میشود پائین تر



از فتح آباد در سیار راه و در از جاده قریه بی بی است که شصت خانوار سکنه دارد و در عرض قریه بی بی فاصله یکمیدان قریه مذکور است  
و در بی بی قریه حسن آباد قدری بزرگتر می باشد مسافت نموده در دو طرف راه دو قریه است که هر دو موسوم بفرخان میباشند و در  
سی چل خانوار سکنه دارند و اینجا نیز تپه مصنوعی دیده میشود از فرخان گذشته علی آباد است که دارای شصت خانوار سکنه و مسجد جامع است  
و آب آن از رودخانه قوچان رعایای اینجا ترک جان قربانی هستند ارتفاع علی آباد از طهران یکصد ذراع است  
روز جمعه شوال از علی آباد شریف فرمای سویمان گردید راه مفت فرسخ و از مغرب مشرق و همه جاد و جاده هموار و بی است  
و نزدیک منزل که قدری پستی و بلندی دارد تقریباً یکمیدان سب از علی آباد گذشته قریه دیزه بان در خط راه است و پس از یک فرسخ قریه جعفر آباد  
که آن نیز در خط راه میباشد و دارای صد خانوار سکنه و آب از قنات در دامنه کوه طرف جنوب که در همین است قلاع و دای کبر آباد  
و قلعه و لو و قلعه عباس آباد و قلعه دینی میباشد در طرف دست چپ راه قدری در از جاده قریه داود می آید که سکنه آن صد خانوار  
و آب از قنات قدری از جعفر آباد گذشته در طرف دست راست فاصله یکمیدان از جاده قلعه خرابه است موسوم بحسین آباد  
از اینجا که قدری طی مسافت نموده در همین طرف راه چهل جاده قریه دوست آباد است که شصت خانوار سکنه و مسجد جامع دارد تقریباً  
در فرسخی راه قریه یاساقی است که خط راه از وسط آن میگذرد و خاک قوچان بنظر میبستنی میشود و بعد از این قریه دیگر آبادیهایی  
خاک را و کان از اعمال این ولایت است سکنه یاساقی تقریباً سی خانوار و طی مصنوعی دارد کوه طرف شمال یاساقی موسوم بمویناوست که انالی  
تلفظ میکنند و کوه طرف جنوب که دو تخته باشد بعضی آنرا عفران نیز میگویند قریب یک فرسخ بمنزل مانده در طرف دست چپ تقریباً یکمیدان از جاده  
قریه موچان است که قریب چهل خانوار سکنه و باغستانی دارد و حوضی موسوم به شش حص این حوض از سنگ ساخته بوده اند ولی حال آنکه  
نزدیک سویمان طرف سیار راه روی کوه تپه مانند مقبره است که انالی آن نواحی را بدان حسن عقایدست مخصوصاً در طلب اولاد و دفن آن  
متبره را شایسته اندانی گویند بعضی قوچان را در حوالی این مقبره دیده میشود قریه سویمان چهل خانوار سکنه دارد که در قلعه سکنه ساکنند و مسجد جامع  
دارند آب سویمان از دو کاریز است یکی موسوم به سویمان دیگری معروف به بزرگان کوهی که سویمان زیر آن واقعست در طرف شمال  
آبادی و موسوم بعبادت میباشد و پشت این کوه رشته کوه معتبره از مسجد و اسم این کوه را کلنل استوار و انلیسی در نقشه خود نیز از  
ضبط کرده گویند در این کوه خانقاههای عدیده معتبره بوده و امام کیاها دارد که سنیان ملک طلب آن کیاها باین صفات  
می آیند از تحت اورسنین کوه بسیار است و رشته آن تا زیر راوکان کشیده و کوه طرف مقابل چنانکه ذکر شد موسوم است  
به دو تخته و هر قطعه از آن نیز اسم مخصوصی دارد ارتفاع سویمان شل طهران است



روز شنبه ششم موكب مایون شامی ام مکه از سومان بحوالی رادكان تشریف ما کردند راه کمتر از دو فرسخ و از مغرب مشرق است  
و در خط راه آبادی نیست و همین جهت درین راه حوضی از سنگ ساخته اند که سقف بوده ولی سقف آن حال خراب است این حوض برای  
آب است که آب باران آن جمع شود و بکار عابرین آید یکمیدان از سومان گذشته در طرف دست چپ قدری دور از جاده  
گورستان است که چهل خانوار سکنه و حمام و مسجدی دارد و آبش از کاریز و چشمه بعد از آن بقیل فاصله در همین طرف وصل بر آید  
همگان است که حال خراب و بایر میباشد و قریه خرج نیر در همین طرف از دونهای است و اما مزاده دارد موسوم بشاهرا

امام حسن

اما بلده رادكان قصبه است معتبر دارای پانصد شصت خانوار سکنه و چهار هزار جمعیت و صد باب کاکین یک مسجد بزرگ  
و دو مسجد کوچک و دو حمام دایره قلعه که شانزده برج دارد و در ضلع طرف شمال شرقی شهر قلعه ارگ است که یازده برج داشته  
با جمیع لوازم و شرح جمله در محل خود مذکور خواهد شد رادكان را دو خانه است که از دره واقع در شمال غربی جاری شده  
و در جلگه رادكان بمصرف زراعت میرسد آب چشمه و قنوات نیر در این ناحیه زیاد است

از آثار قدیمه رادكان که محل ملاحظه است برج یا میل رادكان میباشد که در نیم فرسخی شهر و در طرف مشرق میل جنوب است  
دوره میل از بیرون چهل متر و از داخل بیست و هشت متر و ارتفاع آن که هم از روی شماره آجر و هم بقیاس تخمینه سی و هشت  
بقت معین است و پنجدرع قطر دیوار از پائین و ذرع و وضع میل از داخل شش و از بیرون از سطح زمین تا ذرع و نیم مذکور  
شده بعد از آن مشتمل بر سی و شش ترک که بزرگی بکل نیم ستون میور تا زیر کسبده و در زیر کسبده دوره از کاشی و آجر  
منبت شده و کتیبه بخط کوفی بوده که محو شده و ریخته و مشکوک است که آیا خط بکاشی بوده و متن آجر منبت یا کسبده از آن کسبده است  
بشکل مخروطی این میل و طاق بالای هم داشته طاق زیرین آب شده است و در طرف و جنوب میل مشرق هم بواسطه  
کثافت و خرابی کمی دست داده و با وجود این کثافت که خیلی از استحکام آن کاسته باز قرنهای آمار این باقی خواهد ماند این میل را  
داست یکی رو مشرق میل جنوب و دیگری در برابر آن که رو مغرب میل جنوب میور رادكان تقریباً دو سیت ذرع از طرف  
پست تر است

روز یکشنبه ششم موكب اقدس مایون خسروانه از رادكان تشریف فرمای چشمه کلاس شد راه شش فرسخ و از مغرب مشرق است  
ولی قدری بطرف جنوب میل میباشد که فرسخ از رادكان گذشته چمن کو باغ میرسند و این بان انگ معروف بانک



رادکان است که در وقت حضرت مشهور میباشد پس از آن در طرف جنوب شرقی رادکان دو فرسخی این بلده چارک  
و چاربان رودخانه دارد که سرچشمه آن در سعید آباد و در کوه آغله از کوه دولخانه است که در طرف جنوب غربی رادکان  
میباشد و این رودخانه ملخی کثیف و در می شود و سرچشمه رود کشف رود از چمن کو باغ و حوالی آن است از اینجا مشهد مقدس  
قرا و قلاع بیکدیگر وصلت و ندارد صفحه ایست که اینطور آبادی آن امتداد و اتصال یافته باشد بنابراین بیکدیگر را  
قرا و قلاع و مزارع نپرداخته در محل خود تفصیل مذکور خواهد شد

آنا چشمه کیلاس در زیر کوهیست که در طرف شمال جلگه موسوم به بن اسم واقع و تقریباً پانزده سنک آب از آن  
جاری بطرف جنوب یل بشرق و آن و مشهد مقدس میرود در پهلوی چشمه کیلاس آثار ندریست که آب چشمه کیلاس  
را بواسطه این نهر بطرف مغرب میرده و در زیر این نهر بلافاصله آثار آبسیه دیده میشود نیز اثر نهر دیگر در چشمه کیلاس  
که ازین نهر آب بطوس میرفته است در عهد شاه عباس صفوی این نهر متروک و آب شهر مشهد مقدس جاری شده است  
این آب و از ده فرسخ راه طی میشود تا شهر میرسد قریه چشمه کیلاس تقریباً سی خانوار رعیت دارد کوهی که چشمه کیلاس  
از زیر آن بیرون می آید نیز موسوم بکوه چشمه کیلاس است و کوه مقابل آنرا که در طرف جنوبست و دنباله دولخانه کوه  
فیسا بور گویند چشمه کیلاس و دست ذرع از طهران پست تر است  
روز دوشنبه نهم در چشمه کیلاس اتراند

روز سه شنبه دهم موكب همايون از چشمه کیلاس تشریف فرمای چمن قفقز که ریڈ در نزدیکی چمن قفقز آثار شهر طوس را  
و بنای سلطنتی و غیره دیده شود که شرح آن در محل خود نگاشته میشود همچنین شرح قلعه خرابه که موسوم بشهر قفقز و وصل باین  
و آثار آن نمودار میباشد

## اعلان

بآقای اردوی همايون اطلاع داده میشود در توقف ارض اقدس مراسلات خودشان را مستقیماً به پستخانه معمولی اردو که رست آن  
با اسد الله خان است تحویل نمایند پستخانه شهر و این نکته برای آنست که قلمزین کاتب مبارک همیشه در مشهد مقدس نخواهند آمد چنانچه بخواهند  
قلمه و امانات بدین قبض وصول نمایند باینکه باید موافق معمول پستخانه اردو داده اسد الله خان امسولند یا اگر به پستخانه مشهد  
ار پستخانه اردو حق مطالبه آب و قبوض بصلایه نخواهند داد چنانچه مستحق است  
صنیع الدوله وزیر انطباعات



## اردوی یون

در روز قبل نگاشته شد که روز شنبه دهم شوال المکرم موکب فرخنده گویب علیحضرت شایسته سجاد خسرو صاحبزاده  
تشریف فرمای چمن قعنه کردند در این روز علمای اعلام ساکن شهر مشهد مقدس کثرتاً تعالی امثالهم باستقبال مقدم بختیم  
حضرت ظل الهی مبارک نمودند بشرف حضور معدلت ظهورهایون بایل و لطاف مکارم شایسته نگه کردند  
روز چهارشنبه یازدهم موکب هایون از چمن قعنه تنهاض فرموده قازم ورود ارض اقدس و شهر شریف مشهد مقدس کردند  
قبل از ورود موکب مسعود شایسته قشونی که در کاب ظفر نصاب اعلی بودند بحسب امر قدردار پادشاهی از توپخانه و پیاده  
کتابا بالسمیه داخل در صحن مقدس شده احترامات نظامی را بعمل آورده و بیرق خوابانیده پس از قیام بر ستم تعظیلات  
در برابر مقدمه بارود و محل اقامت خود معاودت کردند

ذات ملکوتی صفات خسروانه در بین اه پس از صرف نهار سواره بغرم شهر حرکت فرموده ثواب کنالدوله و ستار ملکات که  
از زادگان برای نظامات عمل شهر و غیره از کاب مبارک مرخص شده بودند در اینجا با شایسته احمد میرزای معینالدوله و شایسته  
علیق میرزای پسر کنالدوله و سایر شایسته زادگان و امرای متوقف خراسان بر کاب مبارک شرف گشته تمام اهل مشهد  
از ارباب قلم و اهل شمشیر و سرکردهای سواره پیاده کل طوائف خراسان باستقبال کاب مبارک آمدند بحضور محبت ظهور  
هایونی تشریف جسته شش ساعت بغروب نمانده سوار از دروازه بالاییان داخل شهر گردیده فوج توپچی شرفانی و شقایق کبری  
عسکرخان فوج شقایق قزاقه داعی بسرکردگی آمان اند خان سرهنگ و فوج فیه و زکوسی بسرکردگی اسماعیل خان سرهنگ  
ساختمانی داخل شهر صف کشیدند از نظر ملوکانه گذشتند پانصد قدم بحریم اول آستانه مقدسه ماندند و از اسب پیاده شدند و  
آستانه کردند و ابتدای صحن تمام خدام و سرشیکان در بان آستانه مطهره علمای سرکار فیض آثار را جلو آوردند







تعطیلات ذات کمال الصفات شریاری دام ملکه و سهرجم نمودن بجای آستان خدام آستان جابه یون  
درجه مبالغت و استقام نموده بودند بسیار بوجود مسعود خسروانه خوش گذشته نواب معظم را بتوجهات خاطر خطیر الهام پذیر  
اصی حضرت شاهی فریت اختصاص غایت فرمودند در این روز حشمه الملک امیر قاین و سیستان بعماد الملک و کل طلس  
و دو پسر پایش که برای تشریف آبی آستان بجای یونی از قاین و طلس آمده بودند بحضور محضر ظهور بجای یونی مشرف گردیدند  
مورد تفقدات ملوکانه گردید و همچنین حسنعلی خان قرانی سرتیپ فوج قرانی که با فوج خود آمده بود بحضور معرفی شد از  
انجام برضیانه سرکار فیض آثار تشریف فرماشته تمام طبای رگابی و طبای مریضخانه و مشهد حاضر بوده انجارا با کمال  
نظم و انتظام ملاحظه و مشاهد فرمود ریاست مریضخانه بعد از شام برادر شیخ الریس و محمد هاشم میرزای معین التو  
برادر شیخ الریس محول است هر دو حضور و مورد مراسم ملوکانه گردیده از آنجا بزیارت آستانه مطهر مشرف گشتند  
دوشنبه شانزدهم و سه شنبه هجدهم زیارت روضه مقدسه رضویه و مشاغل همه ملکی مشغول بودند

روز چهارشنبه هجدهم علمای اعلام که آنرا امثالهم موجب اشاره علیه در مسجد اللهوردی خان که یکی از ابنیه فیعه متعلقه بحکم  
مطهر است حضور نموده بحضور ظهور علی حضرت شاه صاحبان غرض مشرف گشتند و ذات اقدس اعلی نسبت به  
بذل توجیه مخصوص فرموده فردا در ابطلقات و تفقدات طبع کریم شانانه مشمول و مستعد داشتند بهم در این روز  
قاپه خدام آستان مقدسه و عتبه عرش درجه رضویه که عدد آنها هزار و دویست و سی نفر بود از سان حضور معدلت ظهور  
شاهشاهی دام ملکه گذشتند در این ایام نواب جهان نور میرزا و اللهقلی میرزای المغانی و سیف الدوله که قبل از ورود  
موکب مسعود همایون از راه راست معمول بارض اقدس و مشهد مقدس مشرف شده بودند بخاکپای مبارک تشریف حبه  
مورد عواطف سنیه گردیدند

روز پنجشنبه نوزدهم بعد از زیارت روضه مطهره بهام ملکی و ملاحظه عرایض و نوشتجات و زراود و ایرادات و ات لتی  
که از دار الخلافه با مره رسیده بود مشغول بودند

روز جمعه بیستم چون هوای شهر مشهد مقدس خالی از گرمی نبود موکب اقدس همایون بقصد توقف و اقامت در شب  
فرمای ترقبه که از محالات و اماکن مستثنیه ییلاقی مشهد مقدس است گردیدند از شهر مشهد تا این ییلاق سه فرسخ است  
روز دوشنبه بیست و نهم موکب مسعود همایون از ترقبه شهر مشهد مقدس مراجعت فرموده لدی الورد و زیارت روضه



مقدّمه رضویہ سلام اللہ علیہ شریف حبشہ

روز شنبه بیست و چهارم اوقات فرخنده ساعات بایون بعد از زیارت آستانه مقدسه بموروم دوتی مقرر شد  
روز چهارشنبه بیست و پنجم نیز بمطالعہ عرایض و زرا و ادارات جلیله که از دارالخلافه بامره بخاک پای بایون یصال شد بود  
و سایر مشاغل ملکی اشتغال داشتند

روز پنجشنبه بیست و ششم موكب علیحضرت بایون شاهی عنبر نضره زیارت فرار خواجہ بیج که تقریباً در یکفرسنگی  
مشهد مقدس واقعت شریف فرما کرده پس از زیارت خواجہ رحمہ اللہ علیہ بر سر مقبره نواب غفران پاشا شهید  
سعید فتحعلی خان قاجار جدا مجد سلسله علیہ اللہ تعالیٰ شوکتهم فاتحه خوانده بعد ما بشهر معاودت فرمود

روز جمعه بیست و هفتم تعطیل بود

محض تفضل ملوکانه در باره فترت او مساکین شهر مشهد حسب التقرر امین حضرت یکمزار تومان وجه نقد در خارج شهر برده بنا  
تقسیم نمود

بر مطالعہ کنندگان پوشیده باشد که شهر مشهد مقدس ابجیات عدیده در عالم جغرافیائی و تاریخی اهمیت است  
بنابر این بقدریکه شاید و باید در وضع این شهر از اماکن قدیمه و جدیده و بقاع و مدارس و خانات و شوارع تحقیق در  
روضه منوره و صحنهای مقدسه و حرم مظهر و سایر اشیای متعلقه باین مکان جلنشان و تزیینات حتی خلک تیبهای  
والواح منقوره در محل اسناد و غیره استقصای کامل بعمل آمده و شرح بلوکات و توابع شهر را نیز تجماعه بدان ضم کرد  
در کارش این فکر که تفصیل نوشته شود درج مینماید و انشاء الله بنظر مطالعہ کنندگان خواهد رسید

## مرحومین

حاجی میرزا شمس متوفی خاصه دیوان علی که تمام عمر با کمال صداقت و خدمات دولت جاوید شوکت علیہ شمول و با  
لایقہ نایل گردیده محل توجه و استماد کامل بود در این بفرخیر اثر سعادت التزام رکاب ظفر نصاب مبارک باقیه در بین راه  
مریض شده بعد از رسیدن بمشهد مقدس و شرف آستان بی حضرت رضا علیہ آلاف التحية و الثناء تقریباً در  
بقعہ ساکنی روز شنبه بیست و چهارم شوال ساعت بغروب مانده داعی حق لهبیک جابت کفّه در جوار حرم مظهر و در

صنیع الدوله وزیر انطباعات

در مشهد مقدس بطباع می

عرش درجه مدفون گردید





روز شنبه بیست و ششم شهر شوال المکرم اوقات فرخنده ساعات بهایون علی‌حضرت شاهی خلدانه ملکه و سلطان بزرگوار  
روضه منوره حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية و التمجيد مشرف شده و پس از فراغ از زیارت  
بهام ملکی توجه فرمودند نواب رکن الدوله والی و حکمران خراسان و سیستان چون در کلیه امور حکمرانی و حسن  
سلوک با قاطبه رعایای خراسان و امالی ایالتین مزبورین بر طبق مقاصد سنیه ملوکانه رفتار نموده خاطر خطیر بهایون <sup>صف</sup> را بدو  
از سبک پسندیده نواب معظم راضی و خرسند گردیده تمجید ظاهر مرتعی مخصوص غنای خاص کمربند سردوشی مکتل <sup>مکتل</sup> بالمال  
از جلال نشانی دولت ابد اختصاص با سرداری تن پوش مبارک با فقار ایشان مبدول داشتند و نیز زیاده از  
بیست هزار تومان شال و سرداری و عبای ترمه و شیره و کشتی الماس و عصای مرضع و غیره بعلماء و اعیان و صاحبان  
و خدام عتبه مقدسه رضویه مرحمت و اعطا فرمودند

روز یکشنبه بیست و نهم نیز زیارت آستانه مقدسه و مطالعه عرایض و زرا و ادارات که از دارالادب بایره رسید بوظایر مبارک  
مشغول فرمودند

روز دوشنبه سلخ شهر شوال که روز تعطیل و آخرین روز توقف و اقامت در شهر مشهد مقدس بود عمده وقت بهایون بزیارت  
و وداع روضه عرش درجه و انتظام بهام آستانه مطهره و سایر اعمال این مملکت مشغول و مصروف گردید  
در ایام توقف مکتب بهایون در ادض آقدس علیمردان خان تیموری که سرحدات جام و باخرز و زور آباد و غیره با کفایت او  
سپرده است احضار شد که بمشهد مقدس بایده معزی الیه با جمعی از آق سقاان طایفه سالور بحضور بهایون نشرف جنبه کمال  
مرحمت و التفات شایان شد علیمردان نوکر بسیار قابلی است و در سرحدات مزبوره خیلی با کفایت حرکت کرده و از وقت



این سرحدات با سپرده شده خیمه نظم نگاه داشته است بنابراین مورد عنایات ملوکانه گردیده و او را بقلب نصره الملک ملقب  
و سرانسر فرمودند در این موقع لازم نمود تفصیلی از زور آباد و طایفه سالور نوشته شود

در همین زور آباد از قدیم الایام طایفه تموری سکنی داشتند و در سال هزار و دویست و پنجاه که مرحوم حاجی محمد ولی میرزا  
ابن خاقان منصور فتحعلی شاه طاب ثراه حکومت خراسان یافت امیر قلیج خان تموری با خانوار تموری در زور آباد ساکن بود <sup>بعضی</sup>  
از سببها که در تواریخ مذکور است امیر قلیج خان طایفه تموری از زور آباد متواری شدند و از آنوقت خراب و بایر افتاده بود  
تا چند سال قبل مقرر شد بعضی از قنوت زور آباد را که منظم شده بود و ایرکند و طایفه تموری و بعضی طوایف دیگر خراسان  
آنجا مشغول زراعت شوند قلعه محکمی بر اوایی دولت علیه آنجا باشد و قشون پیاده و توپخانه و قورخانه و سواره در آنجا <sup>نشسته</sup>  
زور آباد چون جلگه بسیار وسیعی است هر قدر آنجا زراعت کنند گنجایش دارد بنابراین از تراکه سالور هم که در اطراف متفرق <sup>بود</sup>  
استدعا کردند اجازه داده شود باینجا زراعت و غنای مشغول باشند باینجا اجازه داده شد و حال قریب و نزار <sup>نوار</sup>  
از سالور در زور آباد و اطراف آنجا مشغول غنای هستند و تفصیل ترکان سالور از قرار است که نوشته می شود

در سنه هزار و دویست و چهل و هفت که مرحوم نایب السلطنه رضوان جایگاه عباس میرزا طاب ثراه بجهت نظم خراسان باین مملکت آمد  
و فی تحقیق خراسان را از نو مفتوح کرده نظم جدید گذاشتند طایفه ترکان سالور که اصل مکن و محل قدیمی آنها سرخس بود و آن وقت  
در همان پورت خودشان سکنی داشتند چون مصدر دزدی و شرارت می شدند نایب السلطنه برور با قشون یاد بجهت تنبیه آنها <sup>سرخس</sup>  
فرستاد و آنها را تنبیه سختی نمودند و بعد از آن تنبیه متفرق شدند و دیگر در یکجا جمع نبودند بعد از آنکه مجددا حکم بر آبادی و آباد  
و اطراف آن مقرر شد این طایفه استدعا کردند که باینجا اجازه داده شود که کافی التاب مشغول عیشتی شوند اینست که باینجا <sup>اجازه</sup>  
داده شد که آمده در زور آباد و حوالی سرخس و غیره مشغول عیشتی باشند این طایفه سالور از پنجای تراکه هستند و خودشان را  
منوب بایل حلیل قاجاریه می شناسند و طوایف آنها ورش سفیدان ایشان که همه بانعام و خلعت بجا یون بایل گردیده و مرجع گرد  
از قرار است که نوشته می شود

طایفه کجیک آقا طایفه شرج طایفه نکه طایفه یعقوب طایفه صنیاد طایفه ارسلان طایفه تقاش طایفه موسی  
طایفه باقره طایفه بلخ آقا طایفه یاجی طایفه اسمعیل طایفه توری تور این طوایف بسرکردگی منگولی خان بودند  
برش سفیدی قربان مراد خان و محمد ویردخان و آقا حاجی بیک و صفیر قلیج خان و آراز علی بیک و بیک نظر خان و



سلطان نیاز و یاز ویرنجان و قراکیت و نور محمدبای و شهبای و سید نیازخان

طایفه و یکرموسوم بقبرمان و یک بوک و طایفه علم و طایفه جوق و طایفه اکو چلی و طایفه کرک تبرکردکی نگه خان و  
ریش سفیدی راسارخان و صفرعلی بهادر و قوجان سردار و جمعه بیک و سعیدشان که از علمای این طایفه است

طایفه و یکرموسوم به یو اوج است و شعب این طایفه و از حبیب پاری اردوقای تبرکردکی دولت محمدبای و خواجه محمدخان  
و برش سفیدی آنا نیازبای و قربان نیازخان و آنا سائق و محمد نظرخان از طایفه سالور آلان و دوبرار و سید صدخان  
در زور آباد و غیره کنی دارند و قریب چهار هزار خانوار میشوند که غریب این نواحی جمع خواهند شد

روز سه شنبه غزه شهر و بقعه احرام موکب فرخنده کوکب هاپون شایبای بقصد معاودت دارالخلافه استقامت نمود  
تشریف فرمای منزل طرق کردید راه کمتر از دو فرسخ و تقریباً از شمال جنوب است از دروازه پانین جیان مشد متعسر که خارج  
شده بطرف طرق می آیند در امتداد راه ابتدا حوض مایه قدرت بعد از آن رباط مایه قدرت از بناهای استخوان قرانی قدری  
از آن گذشته حوض حاجی سید تقی زیارت نامه خوان است و حوض به طلاح امالی خراسان برکه و آب انبار و حوضهای  
و آنچه در راهها ذکر شود مقصود برکه و آب انبار است که بجهت زوار و عابرین ساخته شده است باجمعه بعد از حوض حاجی سید تقی قلعه  
عسکریه مرحوم حاجی میرزا عسکری مام جمعه علی نه مقامه میباشد قریه طرق از املاک آباد موقوفه آستانه مقدسه است قدری از  
اراضی طرق را آب چشمه کیلاس مشروب بنمایند و قدری را آب کوه که از طرف گلستان می آید کاروانسرای آباد طرق عبارت از  
دو بناست که اولی در جلو و باستانی است و اسکندر بیک خراسانی قوام اند و له مرحوم در هزار و دویست هجده و بیست و هشت خت  
و رباطی که در عقب آنست از بناهای مان شاه سلیمان صفوی و بانی محمد تقی کرمانی و در سال هزار و بیست و هجده هجری قمری ساخته شده است بزرگ  
کاروانسرای طرق میباشد معروف به نه نادری که از استخوان حیوان و انسان و حشره شکسته و زغال و خاکسنگ و شکل یافته و چاکه  
از توالی قرون و اعصار بسیار است و مطلقاً خلی بنا در شاه ندارد و تحقیقات علمی در باب معادن آید و در جای دیگر نگاشته خواهد شد  
نیز از تعلقات طرق ایوان طرق بقعه خواجه اباصلت برودی است که در محل خود مذکور میشود

روز چهارشنبه دهم موکب منصور شاهانه ایدانه تعالی بنصره از طرق تشریف فرمای تشریف آباد کردید راه از شمال جنوب چهار فرسخ  
و اندک اندک بل بطرف مغرب بنمایند و از میان کوههای پست میگذرد این راه را مرحوم میرزا محمدخان سپهسالار عظیم در زمان  
حکمرانی خراسان ساخته و شکلی دراز در نزدیکی تشریف آباد و بالای تلی نصب کرده که تاریخ ساختن راه را در این سنگ نگاشته



با بود این تپه پستی و بلند می بنویسد آن خالی از صعوبت نیست یکفرسخ که از طرق گذشته بگذرد که کوچه کوچکی معروف است مانند  
 بالای گردنه تپه سلام است یعنی که نسبت به طرقت شامین لایه علی بن موسی الرضا علیه السلام نمایان و سنگی در اینجا نصب است  
 که زیارت نامه آن بزرگوار در آن کتیبه نگاشته شده است و زوار که از این راه میسر شد مقدس مشرف میشوند زیارت  
 نسبت به نور فایز و اول و بعد که بخوانند زیارت نامه مستعد میشوند در آن محل شریف است قدری از تپه سلام گذشته  
 دست راست راه کمی دور از جاده فرعه سیاه سراسر است که پنج شش خانوار رعیت بربری دارد و آتش از کار بر است  
 نیز در همین طرف دور تر فرعه گوپیاد دیده میشود تقریباً در وسط راه بالای گردنه کوچکی قلعه رمضان بیک است معروف  
 بقلعه ذکیر ما و در پهلوی راه حوضی بجهت زوار و قوافل ساخته اند یکفرسخ و نیم شریف آباد کاروانسرای جری مسقفی است  
 موسوم به کلمبه که ده دوازده طاق دارد این کاروانسرا در خاک قریه باز حوض است و آبی در حوالی آن جاریست موسوم با  
 چشمه چار که از چشمه خارج شده اراضی و اطراف کلمبه را مزروع و مشروب ساخته باز حوض غلی میسر و در این آب در  
 این فصل تقریباً دو سنگ است قریه شریف آباد جزو بلوک میوه زن و جمیع آن پنجاه خانوار و آتش از قنات و وقت زیاد  
 یکس آب دارد خاک این قریه از طرف مشرق منتهی بقریه کسبد دراز میگرد و یلاق و خیلی سرد است میوه آن  
 انور کمی است و اشجار بید و زراعت عمده آن غده و قلی صیفی و در باط و کاروانسرا در شریف آباد است کمی  
 در طرف شمال که استخوان قسانی در عهد خاقان منصور فتح علی شاه طاب شاه بنا کرده و دیگر می و متعادل آن که حسنجان  
 نظام الدوله در حکمرانی خراسان تقریباً ده یازده سال قبل ساخته است ارتفاع شریف آباد از مشهد بمقدار هفت

از میان قابل بسیر و ال علی حضرت شایبانی خلدانه ملکه و سلطان و قوچات بند و شاهانه اردوی جایون چنانکه  
 باید و شاید نظم و عموم تفرین کاب ظفر نصاب اقدس اعلی از برجه آسوده و اسباب فراغت و رفاه در هر جا  
 فراهم است آیین سلطان رئیس اردو و نظم و انتظام اردوی معنی مراقبت کامل بعمل آورده و قایم است تمام  
 مجاهدت را مرعی و منظور میدارد آذوقه و لوازم اردو بطور و فور حاضر و آماده و همواره و با عدل نه  
 کمال خوشی را دارد و بر کلیه سربازان خوش میگذرد  
 در سب و اراغ

صنیع الدوله وزیر انطباقا

منج





رو چشمنه نیم موکب فرخنده کوکب علیحضرت شاه شاه صاحب آن خلدانه ملک و سلطان از شریف آباد به دژ آباد مشرف  
 گردید راه بطرف شمال و پهنه سخت تقریباً یکمیدان را که در تال و دود طی نمود بطی می رسید که آثار عمارتی در ابتدای آن  
 بنظر می آید و برجی در کن چشمه دیده می شود اینجا را باطریخت لنگر میگویند از قرار مذکور کاروانسرای در اینجا بوده راه از اینجا  
 دو تا می شود از جاده طرف دست چپ بحال قرانی و نیز دو کرمان می روند و جاده دست راست راه زوار و قوئل عرف  
 و طهران است قدری که از اینجا گذشته چشمه است با آب قلیل و آبادی کاروانسرا مانند ای که یک طاق و طویل از آن باقی  
 و دو طاق دیگر خراب است تقریباً و فرسخ که طی مسافت نمودند در طرف دست راست و دراز جاده بالای کوه تپه مانند قلعه برش است  
 که ده پانزده خانوار رعیت دارد و در دست راست راه در همان محل مختصر زراعت قنات و سطح نیست از رعایای ابرش سوم  
 بکلاته علی شاه قدری از اینجا گذشته دست راست راه و دراز جاده چشمه و درختی است و بالای آن چشمه قلعه چهار برجی دیده  
 می شود که بعضی از اهالی بلوک بیه ژرن اینجا آمده بیلا می بینند از اینجا گذشته حوضی در راه است که دو طاق از گل و سنگ  
 بالای آن ساخته و آنرا حوض شب کوبند قدری بالاتر دست راست و دراز راه فرعه قسم دیده می شود که تقریباً چهل خانوار  
 رعیت دارد و آبش از قنات دیگر فرسخی دژ آباد فریه خرد او است که قلعه محکم و شصت بقعه خانوار رعیت دارد و کاروانسرا  
 سر پوشیده در اینجا برای غایبین بنا کرده اند و در جلوه کاروانسرا فاصله است و پنجدرع حوض آب است که بالای آن قبه از  
 و آجر ساخته اند و فرخنده و دژ بلوک بیه ژرن و سپرده بقطارانه خان تیمور است اما دژ آباد و قریه است دژ آباد و غلی و دژ آباد  
 علیا و رودخانه دارد که از طرف مغرب بل شمال سر چشمه که قبه است جنوب جاری دژ آباد و غلی می رود این رودخانه از رودخانه  
 معروف خراسان خاک مشهد مقدس می آید و منتهی شده بعد از آن شروع بخاک می شود و آب رودخانه دژ آباد بخوبی



و کواری معروف و در شیل که اواسط سبله است یک سنگ آب دارد ولی بهار زیاد میشود و از آبادی و سفلی در طرف دست چپ راه  
و از آباد علیا در طرف دست راست جاده واقعست سکنه در آباد علیا صد خانوار و در آباد سفلی شصت خانوار رعیت دارد  
در نزدیکی راه آثار کاروانسرا خرابه دیده میشود و در اینجا پلی بهم بر روی رودخانه بوده که حالانها نبوده است

روز جمعه چهارم قدمگاه مضرب خیم با احتشام پادشاهی گردید راه چهار فرسخ و از مشرق مغربست قدریکه از دژ آباد گذشته  
دست راست دور از راه بالای کوهی تپه مانند قلعه کوشان است که شصت خانوار جمعیت دارد آب آن از قنات قدریکی  
در همین طرف راه دبی است موسوم به کرنه که خالصه دیوان و ایش از رودخانه و یکصد خانوار سکنه آنست از اینجا گذشته باز در  
دست راست کلاته ایست موسوم به تهنه که قلعه در اینجا ساخته اند و ده خانوار رعیت در آن سکنی گرفته و آب این کلاته نیز  
از کاریز است بعد از آن محاذی میشوند به در رود که از دره های معروف با حضرت و نصرت خراسان بوفور شجار و آب و آبادی  
مشهور است یک فرسخ بعد مگاه مانده قریه نقیش در دست راست راه و نزدیک بجاده است آب آن از کاریز و باغات زیادی حاصل  
خانوار رعیت دارد قدریکی از نقیش گذشته دست چپ فرعه ایست که قلعه دارد و موسوم بقلعه نومیس باشد و سی خانوار رعیت دارد  
محاذی قدمگاه ده حاجی است بامیت خانوار سکنه آن قدمگاه عبارت از بقعه ایست مربع که از تبر بر روی شاه نشینی اخراج گرد  
و پشت ضلع چهلشده و تزیینات این بقعه از کاشی ازاره و نقش داخل بقعه و کتیبه و غیره همه بدرجه استیلا است این بقعه را  
شاه سلیمان صفوی در سال هزار و نود و یک هجری بنا کرده است و باغی دور آن طرح و عرس نموده اند که علاوه بر سایر اشجار کاجها  
غلیظ زیاد داشته و دارد و در بیرون باغ محاذی در و داخل خیابانی از درخت کاج بوده که بعضی از اشجار آن بنسوز باقیست  
در داخل بقعه در سمت قبله یک چارچوب سنگ سیاه سخت که تقریباً نیم ذرع در نیم ذرع است بار قنات یک ذرع در دیوار نصب کرده  
و اثر دو قدم بزرگ در این سنگست بقول مشهور این اثر از اقدام مبارک حضرت رضا علیه آلاف التحية و الثناء است و بعضی  
عقیده اند که آثار اقدام از حضرت امیر المومنین علی بن ابیطالب علیه السلام است آبادی قدمگاه بر روی کوه تپه مانند ایست که در  
بقعه واقع و تقریباً یکصد و پنجاه خانوار رعیت دارد در نزدیکی قدمگاه تخمیناً با فاصله سیصد قدم دبله ایست موسوم به پوست فروش  
که دارای میت خانوار سکنه است قنوطه قدمگاه پنج رشته قنات دارد که همه رو بقبله است کاروانسرای جرمی بی باد و ازده طاقهای  
بسیار خوب موضوع از کاروانسرا در قدمگاه است ارتفاع قدمگاه از مشهد مقدس سیصد و پنجاه ذرع است

روز شنبه پنجم موکب معوذ خسروانه از قدمگاه انتهاض سرسوده ظاهر فیما بوم مضرب خیم با احتشام بایون گردید راه پنج فرسخ



و از مشرق مغرب و در جلگه وسیع هموار است که تمام استعداد آبادی دارد و قرا و مزارع بسیار از دور و نزدیک دیده میشود  
که بمیان آب قنات شرب مکیده و قنات همه بطرف جنوب جاریست آبادیهای حوالی و نزدیک راه و جاده از این قرار است  
در طرف دست راست خرد پور مهران تقی آباد نجفی آباد دست چپ عباس آباد دولت آباد ابوسعیدی سعد آباد و فخر آباد  
ده شیخ شهر نیابور از بلاد مشهوره قدیمه است و ذکر این بلده و شرح آبادی و کثرت جمعیت و محاسن آن در کتب  
جغرافیای قدیم و تواریخ تفصیل نگاشته شده اما شهر حالیه غیر از آن بلد است که غلام در زمان سلطان بنجر سلجوقی ویران نمود  
تیرغچه از آن شهر است که در زمان چنگیز خان لنگر منول خراب کرده و میثابور حالیه را چندان عظمی فیت جمعیت این بلده سازند  
هزار نفر میرسد مسجد جامع معتبره ای دارد که در زمان سلطان حسین باقر ساخته اند پانصد باب دکان و دو مدرسه و سینر ده گام و دو  
مسجد متوسط و چهار دروازه این شهر است مثابیر قدیم میثابور از علما و محدثین عرفا و غیر هم بسیارند که قبور بعضی از آنها  
در حوالی شهر است از مشاهد و مراقد معتبره میثابور بقعه امامزاده محمد معروف بحقوق بن محمد بن یحیی بن علی بن حسین علیه السلام است  
و بقعه امامزاده ابراهیم و بقعه فضل بن ثاذان محدث و شیخ فریدالدین عطار و حکیم خسرو خاتم میثابور جغرافیا و تاریخ این  
بلده مفصلا در محل خود نگاشته خواهد شد ارتفاع میثابور از مشهد مقدس تقریباً دویست ذراع است

### روزگشنبه ششم در میثابور تراق شد

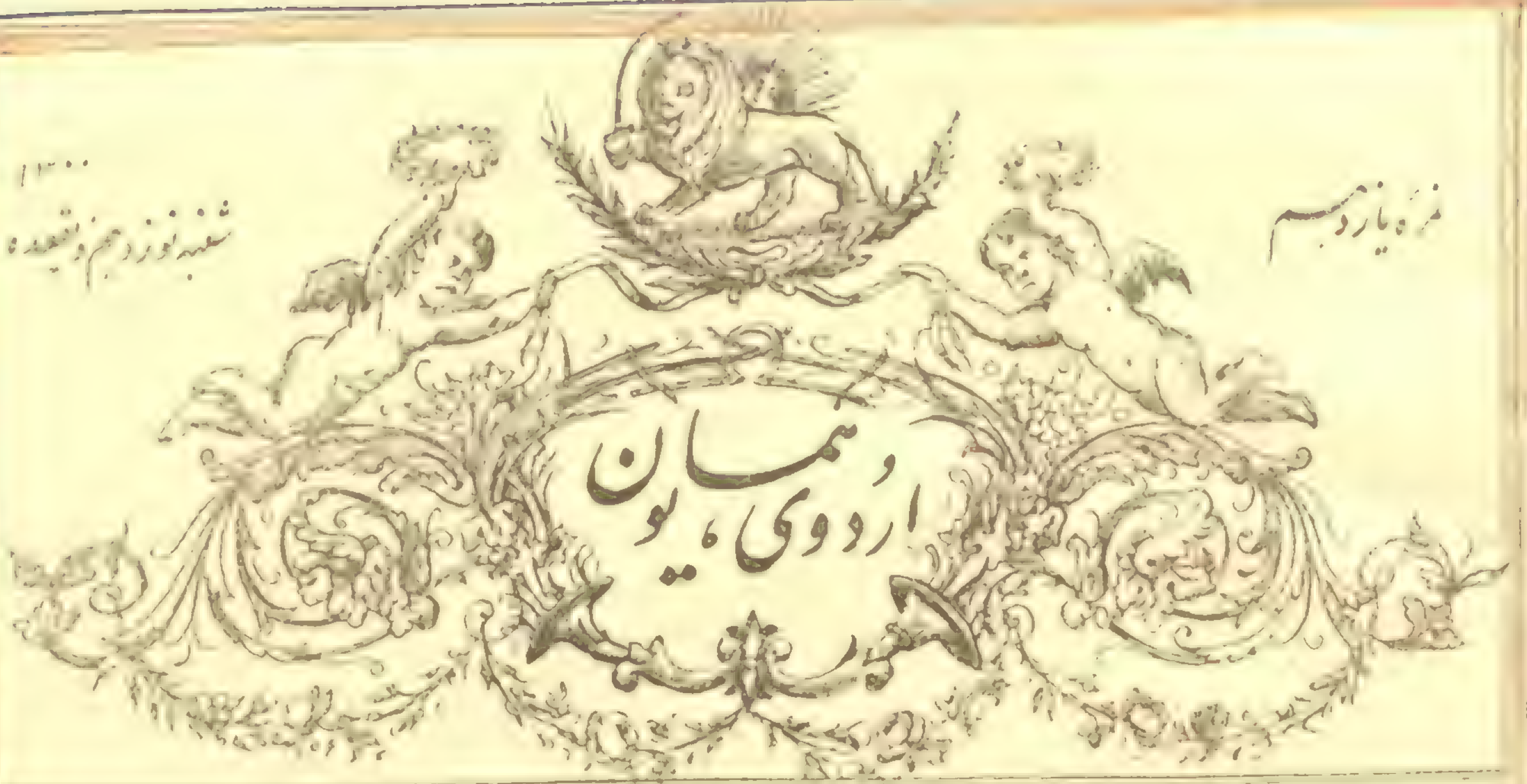
روز دوشنبه ششم بموکب منصور خسروانه ایده انده تعالی بنصره از خطا بر میثابور انتهاض فرموده حوالی نجف آباد مضرب خاتم سپهرام علی  
را و در جلگه هموار صاف و پرا فرسخ و ابتدا از مشرق مغرب و بعد مایل بجنوب میشود صحاری طرف مغرب میثابور بآبادی صحراهای طرف  
مشرق فیت تفصیل فاصله از شهر بوضع بیابان قرا و مزارع بندرت دیده میشود بعد از آبادیهای حوالی شهر طرف دست راست را  
وصل بجاده مرمره ده داروغه است که خانه اربعیت و دست چپ مقابل ده داروغه قدری دور از راه مظفر آباد است سکنه آن  
دوازده خانوار بعد از ده داروغه دیمین راه روح آباد است با هفت خانوار و قدری بالاتر دور از جاده رستم آباد است و بعد ده سکنه آن  
در طرف دست چپ کاریزی و حیم آباد و زنگان الهی حسین آباد است بلوچ چادر نشین میثابور در این ناحیه سکنی دارند و امروز چادرهای آنها  
در راه دیده میشود نجف آباد که منزل است قلعه کوچکی است مشتمل بر بیت خانوار آتش از قنات ارتفاعش مثل میثابور است

روز سه شنبه ششم بموکب جابون از نجف آباد شریف فرمائی ریاب کرد راه ابتدا از طرف شمال سمت جنوب بعد با جانب مغرب مایل میگردد  
و همه جا در جلگه صاف مسطحیت تا چشمه کوچکی که در نزدیکی شوراب میباشد از اینجا در میان پستی و بلندیت تا منزل شوراب تقریباً چهل خانوار



سکنه و چند قطعه و کاروانسرای معتبری دارد آبش از قنات و ارتفاعش از مشهد مقدس و بیست و پنجاه دست  
 روز چهارشنبه نهم حوالی رباط سرپویه منزلگاه دارد و بیون کرد از شوراب تا دفرنج درستی و غنای بعد در جلگه هموار و زیست  
 بعد از طی مسافتی در طرف سیار راه کلاته حاجی میرزا ابراهیم علی خانباجی میرزا ابراهیم شریعتی از مجتهد معروف بنواری است  
 دفرنجی شوراب بنه و قریه سن کلید است که القیار خان صف الدوله از آنجا کرده و کاروانسرا را به اینجا آورده که مرحوم حسن میرزا  
 حشمه الدوله از تجدید و مرمت کرده قریه سن کلید را باز در خانوار غایت قنات است بر وجه کلید رخنه و حال حال نیا بویور و است  
 دفرنج بعد از سن کلید قلعه خرابه موسوم قلعه غلامان آب جاری و بروی این قلعه است که بالای آن یک کبریا خفته آگونیده مرحوم حشمه الدوله  
 نموده و دفرنج بر رباط سرپویه ماه کاروانسرای عفرانیه معروف بن عفرانیت کاروانسرای نیم عفرانیه بندهم و کاروانسرای کلاته از اجنه خیریت  
 که تقریباً بیست سال قبل بر قد رقبه بیون شاهی خلد اندک در حال احکام و خوبی است و بنا نموده آب جاری محاذی روستا که دایره  
 و از فرزند کور مرحوم نهر خان میرالدوله بانی آن بوده و بلکه در عفرانیه خانی نواری سکنه و حامی و چالی دایره آبش از رودخانه آمده از دفرنج بکار رفته  
 سرپویه متصل بر آب انبار که مرحوم حسن خان نظام الدوله سابق بعد از آن دست دور از راه قنات آب باریک صابح آباد و حاجی شمس الدوله سرپویه  
 فی الواقع دو کاروانسرا که اولی برای یکری غیره جلوه آبادی و بلکه که در اینجا وقت خوب بر رباط سرپویه است آب این که افت  
 و مقدار خانوار سکنه دارد آب جاری نیز در اینجا از شوراب رباط سرپویه و هفت دفرنج راه رباط سرپویه چاه ذرع از مشهد مقدس است  
 روز چشنبه دهم طاسر بنبر و از مضر خیم کردون چشم شهرباری ام ملک کردید راه از شرق مغرب در جلگه هموار است و زیاد از نه فرسخت  
 دست چپ دور از راه قریه سن کلید در همین طرف یه آباد است در سمت راست وصل بر راه قریه نزول آباد است که از آن  
 نزول آباد میگویند سکنه نزول آباد چاه خانوار آبش از قنات کسب عظیمی با ارتفاع پانزده ذرع در این قریه است در بر کنش در طرف  
 مغرب متصل به بنای کسب پیرایوان عالی موجود میباشد که در حال ترقی با آجر ساخته شده و آثار خط کوفی هم در این ایوان از این آثار و آنچه  
 اهالی مسموع شد نزول آباد یکی از قصبات معتبره است و شرح آن در محل خود نگاشته خواهد و بقعه امامزاده سلطان سید حسن از اولاد  
 امام رضا علیه السلام در این قریه بقیل مسافتی از نزول آباد قریه از آنجا است آثار مزار کهن نیز درین قریه میباشد بعد از آن در همین طرف  
 باغان است و پس از آن بلده ولان از آن گذشته قریه آیزی است و طرف دست چپ مزارع ملک آباد و دفرنجی شهر نزدیک ملک آباد  
 آب انبار حاجی فرامرز خان از معارف بنبر و است در بنار قدیمی شهر بنبر و در باغ کوچکی است و مصلای شهر و در این باغ  
 صنایع الدوله و وزیر انطباقا  
 وزیران  
 و وزیران





روز جمعه یازدهم شهر ذیقعد الحرام موکب مسعود ای حضرت شاه صاحب حسن خلد الله تعالی ملکه و سلطان در ظاهر سبزووار و  
 واقامت داشت شهر سبزووار اگر چه بقدمت فیما بوزیت ولی بازار بلاد قدیمه محبوب می شود بعد از خرابی خسرو کرد قاعده  
 این شهر را بالنسبه عظمت و آبادی حاصل شده آلاں شهریت آباد تر از میا پور دارای حصار و بار و بروج و تقریباً هزار باب  
 و کان و دو مسجد معتبر و دو مدرسه عالی و چند حمام و سایر لوازم بلدیت بواسطه وجود مرحوم حاجی غلامادی سبزواری قدس سره  
 که از مشاییر حکما و متالین عصر و زمان یکانه دوران بود این و آخر دارالعلم و مجمع فضلا محبوب می شد و حالاً نیز از آن تشیع و انشا  
 بقیه وظلی باقیست و شرح این بلده مفصل در محل خود نگاشته خواهد شد سبزووار پنجاه فرس از مشهد مقدس است

روز شنبه یازدهم موکب منصور شاهانه اید الله تعالی بنصره از ظاهیر سبزووار تشریف فرمای قریه رسید کردید راه مشرق  
 و در جلگه است طرف دست چپ راه مزرعه فضل آباد است باده خانوار رغبت و سمت دست راست کلاته سیفر که صد خانوار  
 دارد قدری از اینجا گذشته در جانب یار جاده قریه بارش است و سکنه آن شصت خانوار و آب این قرا و مزارع از فوات  
 دیگر سفر سبزووار آثار خرابه خسرو کرد شهر بنی دیده می شود و از این آثار مناری بر تقاع بیت و نه فرس موجود است که از حیث بنا و تاتق کامل  
 است یا زار دارد این بنا تعلق مسجد معتبر خسرو کرد داشته و در ابتدای طلال این بلده بقعه ایست مشتمل بر کسبیدی مفرس دارد بار  
 پانزده فرس که روی کسبدر اجناب حاجی میرزا ابراهیم شریعتدار مجتهد معروف سبزواری رحمه الله تعالی حبیبی گویند و دور این  
 بقعه صحن وسیع و دیوار کلی است اما کی گویند شایراده حسین و شایراده ابراهیم و شایراده قاسم از اولاد حضرت موسی بن جعفر  
 علیه السلام در اینجا غایب شده اند در شمال منار خسرو کرد تقریباً با فاصله هزار فرس قریه خسرو کرد است که صد و پنجاه خانوار  
 دارد و در روی تپه مصنوعی وصل بقریه قلعه خرابه مذکور چهار برجی دیده می شود که ارک شهر خسرو کرد بوده است قریه خسرو کرد و کجای



و بحباب مسجد و باغات زیاد دارد آنرا خسرو گرد بخوبی معروفست خسرو گرد را بنسب و جرد مغرب نموده اند یکفرسخ از خسرو گرد  
گذشته قریه سدید است در طرف دست راست قدری و راز جاده و اما لی از استیر لفظ میکنند بقعه معروف به سید  
سید ریده میشود که از قرار ادعای مالی مزار بعضی از مشایخ اولاد کمال است و جمعی از اولاد آن مشایخ در سید رکنی داند در پهلوی  
این بقعه بنایت غریب که شرح آن در محل وقوع خود نگاشته خواهد قریه سید رعد و پنجاه خانوار رکنی و قلعه دارد که بعضی از آباد  
در قلعه و برخی در بیرون قلعه در حوالی ساکنند آب سدید از قنات قریه رید که منظر گاه است نیز صد و پنجاه خانوار رعد  
حمام و مسجد و باغات زیاد دارد و دهکده آباد است و در غیر سنخی آن در شهر شاهرا و در باطنی تخته قوئل و زوار ساخته اند آب سید  
از سه فرسخی از جایی که مزار سلطان سید قریش در اینجا است چشمه میکشد از سبزو ار تا رید چهار فرسخ راه است و از بلده فرود  
تا شاهرا و در همه جا در صحرا با فضل سفید میرود رید تقریباً سی ذرع از مشهد است راست

روزی که شنبه سیزدهم موكب فرخنده كوكب شاهانه از رید تشریف فرمای صد خرو گردید صد خرو را غالب مردم از خراسان  
و عراقی و غیره سود خرد لفظ میکنند راه از مشرق مغرب و در جلگه هموار و چهار فرسخ است در یکفرسخی صد خرو قریه مهر است  
کاروانسرائی از بناهای عهد شاه عباس ثانی در اینجا بوده که منهدم شده و جناب حاجی میرزا ابراهیم شریعتدار محمد سبزواری  
سلطانة تعالی کاروانسرائی جدید در نزدیکی کاروانسرای قدیم بنا نموده اند و نصف بیشتر از آن ساخته شده است آب انبار  
مقابل کاروانسرا دارد که بمقدار هشتاد سال قبل بنا کرده اند مهر دهکده آباد است آبش از رودخانه از کو طرف شمال میآید از اینجا  
گذشته در پانصد قدمی صد خرو بقعه مربع مساوی اسلامی دیده میشود و بقعه مالی سلطان سید علی از اولاد حضرت امام  
موسی کاظم علیه السلام در این بقعه مدفونست صد خرو دهکده است آباد بشبه آبش از رودخانه که از چشمه سا کو طرف شمال  
تشکیل مییابد و از یک رشته کاریز مسجدی از بنیه قدیمه در این آبادی هست که ایوانی مقعر تقریباً با ارتفاع دوازده ذراع  
آنرا و هشتاد و نه و خیزه صد خرو خوب میشود صد خرو چند ذرع از رید است راست

روزی که شنبه چهاردهم موكب مغلی از صد خرو و آنهاض فرسوده حوالی مزیان مضرب خیم سپهر شام بمایون گردید راه چهار  
و از مشرق مغرب و در جلگه هموار است در میان آب انباری دیده میشود و غیر از آن در خط راه آنرا آبادانی نیست آنرا مزیان قلعه  
حالیه آنرا یازده سال قبل که سیل مزیان کهنه را خراب منهدم ساخت مالی ساخته و در آن سکنی گرفته اند این قلعه همان سکنی  
قلعه مزیان است که آلهیار خان قلیچی در عهد خاقان خلدشیان فتحعلی شاه طاب ثراه در آن متحصن شده و دم از خود سر میزند



و عساکر خاقانی و اور مقهور و قلعه را خراب کردند و آثاری از آن بود تا فریانیها بعد از خرابی سیل فرور آنرا عمارت کردند و حالا به  
 بلوک فریان جای بادست دکان مدرسه و کاروانسرا و حمام دارد در خارج قلعه فریان کاروانسرای آجری از بنیه عهد  
 شاه عباس ثانی برای قوافل و زوارست و حاجی عینی قاضی جرجکاشانی این کاروانسرا را مرمت نموده است قرا و مزارع بلوک  
 فریان از استقرارست بهمین آباد سوزگانه کلاته فریان غمیا بون و آوزن تباروان آبرود و مور نیزه در بهمن آباد  
 و سوز دوسه بقعه و مزار است که از قرار تقریر امالی اما مراده سلطان سید اسماعیل و سلطان سید قریش و سلطان سید حسین  
 این بقعه مدفون شده اند آب فریان از دو قنات فریان تقریباً سیصد ذراع از مشهد مقدس پست تر است  
 روز سه شنبه یازدهم در فریان اتراق شد

روز چهارشنبه شانزدهم اردوی مغل از فریان شریف فرمای عباس آباد کرد و راهش فرسخ و از مشرق مغرب و در جلگه  
 اغلب اراضی بکوبرش بابت دارد از فریان که سه فرسخ و نیم طی مسافت نمود بقعه صدر آباد میرسنده که چند خانوار سکنه و دروا  
 آجری بسیار خوب آب انباری دارد این کاروانسرا و قلعه را مرحوم میرزا آقاخان صدر اعظم نوری بنا کرده است نیم فرسخ از  
 گذشته پل بر شمس است این پل مرحوم محمد مهر خان <sup>طهر الدوله</sup> ساخته و در طرف جنوب آن بفاصله چند ذراع آثار پل خرابه قدیم دیده میشود در  
 فرسخی عباس آباد دو چشمه کوچک و قلعه چهار برجی کلیت معروف بچشمه خونی و قلعه گزی چند سال قبل صطخری اینجا ساخته اند  
 قلعه عباس آباد را شاه عباس اول بنا کرده و چهل خانوار از مسلمانان کرجستان اینجا آورده و سکنی داده و حالا آن چهل خانوار  
 خانوار رسیده اند تیر شاه عباس کاروانسرای در کمال استیاز با آب انباری در اینجا بنا کرده و اینجا نظام الدوله حاجی عینی  
 تاجر کاشانی این کاروانسرا را مرمت کرده اند جلگه عباس آباد آبهوی یاد و کور خسرو دارد و در کوههای آن سینه قوچ و میش  
 بسیار است عباس آباد صد و پنجاه ذراع از مشهد مقدس پست تر است

روز پنجشنبه هجدهم میان دشت مضرب خیا م کردون قشام خسروانی کرد و راه از مشرق مغرب و آتبه و در جلگه بموار پس از  
 طی یک فرسخ و نیم جاده فیما بین دو رشته کوه واقع میشود که فاصله بین جبلین از دویست ذراع الی بقصد شصت و شصت ذراع است  
 در دو فرسخی عباس آباد اهلک است و آن قلعه است و صل بکاروانسرای آجری از بنیه قدیمه که سی چهل خانوار بسیار  
 از طایفه عرب و عجم در آن سکنی دارند سه فرسخ از اهلک گذشته میان دشت است از اینجا که این منزل بالنسبه کم است این حضرت  
 بر حسب امر قدر بجا یون از پیش میانه دشت آمد نظم کامل در کار آب اینجا داده که کلیه پل اردوی بون و فرمین کاب اعلی از



اینست نیز کمال آسایش حاصل نمودند و از برای سواران بعضی دیگر از ابالی اردو آب جلوفرستاده که بکلی از تشنگی محفوظ  
و راحت بمنزل رسیدند و اینمغنی اسباب مسرت خاطر مهر آثار مبارک گردید

آما میاندشت قلعه آنرا مرحوم حاجی میرزا آقاسی بامشهر بایر میرورماضی محمد شاه طاب ثراه بنا نموده و تقریباً پنجاه خانوار  
سکنه در این قلعه میباشند بحجاب کاروانسرای جری از این قریه معروف بشاه عباسی در میاندشت که حاجی علیسقی تاج  
کاشانی مرمت کرده و دو باب کاروانسرای بسیار ممتاز وسیع آجری وصل بکاروانسرای قدیم حسینخان نظام الدوله ساخته  
و قریب صد هزار تومان خرج کرده است و دو آب انبار در یکی از این دو کاروانسرا و یکی در بیرون کاروانسرا میباشند  
و بیت هزار نفر زوار و غیره در این سه کاروانسرا و بیرون آن میتوانند بمنزل نمایند بلکه میاندشت نهایت صاف و  
وکوه بلند میامی در طرف جنوب غربی این جلگه و کوه طرف جنوب موسوم به بیار که بلوک بیار چمند و رای است و کوه طرف شمال  
شرقی را فرود کونیند و چون پشت این کوه است و کوه طرف شمال غربی معروف بقلعه سرو پشت آن نزدیک است از ارتفاع  
میاندشت از مشهد مقدس دویست ذراع است

روز جمعه سیدیم موکب فرخنده کولب علیحضرت شاهنشاهی ام مکه از میاندشت تشریف فرمای میامی گردید و راه از مشرق مغرب  
و هفت فرسنگت کفرسنگ از میاندشت گذشته خط راه در میان کوههای پست و دره و ماهور قناده و همین طور در پستی و  
بلندیست تا از دهنه زیدرخارج میشوند از دهنه زید که خارج شدند در کفرسنگ و نمی میامی در طرف دست راست  
نزدیکت براه قلعه زید است که مرحوم حاجی میرزا آقاسی بامشهر بایر میرورماضی محمد شاه طاب ثراه بنا کرده و قناتی دارد و  
بیت خانوار درین قلعه سکنی دارند قدری از قلعه زید گذشته نیر در طرف یمن قریه ابراهیم آباد است که پنجاه خانوار رعیت و غلات دارد  
دارد میامی قریه آباد و شبیه تقصیه است یکم و حمام و مسجد و پارخانه و کاروانسرای جری دارد از این قریه عهده شاه عباسی  
در طرف جنوب میامی کوهسیت شاخ معروف بکوه میامی که آب این قریه از دره وسط این کوه جاری میشود

روز شنبه نوزدهم در میامی اتراند روز یکشنبه مستم حوالی قریه آرمیا مضرب خیام کردند و قشام خسروانی گردید راه بچرخسنگ  
و از مشرق مغربست و قرای محمد آباد و جودانه و کلاته اسد و اسرایلی در حوالی راه ویده میشود قریه آرمیا نیز آباد و چار عظیم  
آن که تقریباً پنجاه ذراع دور است معروف است روز دوشنبه بیت و یکم موکب بایون شاهنشاهی بظاهر شاهزاد

صنیع الدوله وزیر انطباعات

در شاهزادان

نزول جلال و سرمود







دست چپ و قلعه میرآباد را مرحوم میرزا محمدخان سپهسالار عظمی ساخته و بناغ و عمارتی بنا نموده است این قریه آباد و دارای چند باب دکان  
و خیال حمام و مسجد و غیره میباشد ارتفاع میرآباد مثل مغان است

روز دوشنبه بیت دهم موکب بیون شریف فرمای شد که از راه شرق مغرب در جلگه و کتراز دو فرسخ است قوشه قریه و آبادانی  
ندارد فقط کاروانسرای شاه عباسی در اینجا نزلگاه زوار و جابرین است قریه سروان در طرف مشرق قوشه و قرائی قریه و در وادار و صحر است  
مغرب آن است ارتفاع قوشه از مشهد مقدس دویست ذراع است

روز سه شنبه بیت دهم آهوان نزلگاه موکب معلی بود راه شش فرسخ و از مشرق مغرب یل جنوب شب دو فرسخ با آهوان باند راه  
در میان کوههای پست میافتد در غیر نخعی آهوان رضی آباد است و آن عبارت از طویل و دکانی است که چشمه آبی در پهلوی آنست در آن  
کاروانسرای از ابنیه بسیار قدیمه دیده میشود معروف بر باطنو شیروانی که از سنگ و گچ و آجر بنا کرده و با آنکه خراب و غیر  
مسکونت زیاده از حدشایان است کاروانسرای بادی نیز در آهوان است که در عهد شاه سلیمان صفوی ساخته اند آهوان دکه  
و آبادی ندارد ارتفاع آهوان از مشهد مقدس سیصد و پنجاه ذراع است

روز چهارشنبه سنج شهر ذیقعه الحرام ظاهر شهر سمنان مضرب خیام گردون خیام خسروانی که از راه هفت فرسخ و از مشرق مغرب  
ایل جنوب تا سه فرسخ در میان تلال و دودوسر بالا پس از آن کرده مختصری قطع شده راه سرازیر و در جلگه صاف بمویر میباشد  
در دو فرسخ و نیم آهوان قناتی تازه احداث کرده و زراعت کمی دیده میشود و اینجا را چاشت خواران میگویند سمنان شهری آباد و دارای  
معتبره قدیمه و جدیده است که از جمله مسجد خان خلد آسمان منقور فتحعلی شاه طاب میباشد که در هزار و دو چهل و دو چهل و سه بنا شده  
فی الحقیقه بناهای عالی و بارو و نظیر آن کمتر در بلاد دیده میشود مسجد جامع سمنان که از ابنیه عهد میرزا شاهرج کورکانی است محل ملاطافه  
و شرح جمله در محل خود نگاشته خواهد شد ارتفاع سمنان از مشهد مقدس یکصد و شصت ذراع است

روز پنجشنبه غره شهر ذیقعه الحرام در سمنان قامت فرمودند

روز جمعه دوم موکب مسعودی شاهی غرضه شریف فرمای قریه لاسکر و کرد که از راه شش فرسخ و از مشرق مغرب از شهر سمنان خارج  
بلافاصله قریه کوشمغان است که در اصل کوشک مغان بوده و کفر نخعی سمنان طرف دست راه قریه مومن آباد از غیر نخعی دیده  
و بقعه معتبری است بقعه بدویش علی در سه فرسخی سمنان دکه ه سرت که در واقع قصبه بادی میباشد و هشتصد خانوار سکنه دارد  
در طرف جنوب سرت فاصله کفر نخعی قریه صوفی آباد است و غیره شرح علل و احوال سمنانی قدس سره که از شاه میر حکما و عرفا در تفرقه میباشد



در یکدانی لاسکرد طرف دست راست دهکده مشه و راست عمده آبادی لاسکرد یعنی خانه رعایا در قلعه مستدیر است در حوالی قلعه نیز بعضی خانه  
بناکرده اند لاسکرد باغات زیاد و انار ممتاز دارد و باطنی از عهد صفویه نیز در لاسکرد است ارتفاع لاسکرد از مشهد مقدس دویست و نود و هشت  
روز و شنبه نیم از لاسکرد شریف فرمای دهکده که در نزد راه هفت فرسخ و ابتدای شمال جنوب و بعد از آن کم کم بطرف مغرب میل میکند  
در یکدانی لاسکرد طرف دست چپ در از راه فرعی بخش آباد است قدریکه پیوسته فرستند هر کوچه ای است آب کمی در آن جاریست و از  
باریک آب میآید بعد از آن مجرای آب عین و کم عرض که آب قلی در آن جاریست و سه جابر روی این مجرای آب بسته اند و آن  
پلها معروف به پل کرپی میباشد در سه فرسخی لاسکرد قلعه عبدالآباد است که چند خانواری در آن ساکنند دهکده نیز قلعه مدوری دارد که بعضی  
از سکنه در قلعه برخی در خارج سکنی دارند کاروانسرای شاه عباسی نیز در دهکده است دهکده دویست فرسخ است از مشهد مقدس است  
روز یکشنبه چهارم حوالی پاده و ارادان و علی آباد خوار ضرب خیم کردند و قشام هایونی کرد راه سه فرسخ و در جلگه بود و شرح این  
در ضمن خبرانی خوار بیاید ارتفاع مثل دیروز است

روز دوشنبه پنجم شریف فرمای حوالی قشلاق حسین آباد که نیز از قشای خوار است کردند راه امروز قدری از دیروز بیشتر بود  
قشلاق صد فرسخ از مشهد مقدس است

روز سه شنبه ششم موکب معوذ خسر وانی در ایوان کیف (ایوانک) (ایوان کی) نزول اجلال فرمود و راه پنجم فرسخ و از شرق  
بمغرب است ایوان کیف قریه یا قصبه است آباد دارای بعضی دکالین و سکنه زیاد و در حوالی آن آثار خرابه بسیار دیده میشود  
رباط شاه عباسی نیز در حوالی آبادی است در این روز نواب و الانایب سلطه امیر کبیر وزیر جنگ و حکمران دارالخلافه و  
غیر ما که با استقبال موکب معوذ خسر وانه آمده بودند پیش رکاب اعلیٰ منتهی گشته مورد عواطف مخصوصه عنایات خاصه پشاهی  
کر دیده حسب الامر اقدس معاودت بشهر نمودند ارتفاع ایوان کیف از مشهد مقدس صد فرسخ است

روز چهارشنبه هفتم موکب اعلیٰ شریف فرمای خواتون آباد کردند راه هفت بلکه هشت فرسخ و در جلگه صاف و از مشرق بمغرب  
چهار فرسخ و نیم که از ایوان کیف طی مسافت نمودند بشریف آباد میرسند و در عبور و مرور از این راه بعضی قوافل در شریف آباد  
منزل مینمایند در خواتون آباد جناب حجه الاسلام آقای حاجی ملا علی سلمه الله تعالی رباطی بسیار معتبر و ممتاز برای قوافل و زوایا  
بناکرده اند خواتون آباد سی فرسخ از مشهد مقدس است

روز پنجشنبه هشتم که سفر سعادت از خراسان ارض اقدس بمنبت و فرخندگی ختم می یافت وقت صبح موکب معوذ خسر وانی پشاهی



صاحبسازان خلد از مکه و سلطان با میامین قبال از خاتون آباد قصد ورود بدار الخلافه و مقر سلطنت عظمی آنها فرستادند درین راه  
 نواب والا نائب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ و عمران دار الخلافه با سرب و غیره با بعضی از رؤسای نظام و دستجات سوار چون قفقون  
 بندیرانی موکب بجایون وکیل رکاب اعلی مسند گشتند و غایبات بلا نهایت شایان همه را شال کردید بعد از صرف نهار در کون  
 دولا ب بندگان علیحضرت پادشاهی اقام مکه بستر فات شکار آبا و تشریف فرما گردیده پس از آنکه استراحت از آنجا حرکت فرمود  
 از راه خیابان دوشان پشه شهر دار الخلافه با سرب را بمقدم بخت شیم خسروانی فرستادند اداره وزارت جلایه جنگ  
 تعلیمات موکب منصور شاهنشاهی ایدمانه تعالی بنصره را از هر چه مرعی و منظور داشته اغلب از توپهای جدید الاستراع  
 کار کارخانه دار الخلافه و غیره در هنگام ورود موکب مسعود از سان نظر معدلت اثر بجایون گذشت و نظم و ترتیبات آن  
 پسند خاطر مهر آثار مبارک گردیده از مساعی جودان مخصوص که توپخانه مبارک سپرده بایشان است خرد گشته بدیل  
 عاطفت ملوکانه او را سرساز داشتند افواج پیاده که از ابتدای خیابان مسرنیه تا در میدان باغ یعنی توپخانه  
 قدیم در دو طرف صف کشیده بودند مشمول نفقات پادشاهی گردیدند رئیس خطبه و آئینه شهر دار الخلافه نیز خیابان لاله زار  
 مجبور راه موکب بجایون بطاقهای نصرت و بیرههای الوان و شانههای شیر و خورشید و صنایف کل و سرباره آراسته  
 بطوری مزین کرده بودند مورد تحسین طرف توجه کامل گردید و خاطر خطیر مبارک را مسرور نمود

تا ورود بندگان علیحضرت شاهنشاهی غرضه بمارت و دیوانخانه تخت مرمر از توپخانه مبارک که شلیک میشد پس از ورود مسعود  
 ذات احدی در تالار تخت مرمر بر سر میز معنی جلوس فرموده سلام عام در پیشگاه حضور معدلت ظهور خسروانی  
 منعقد گردید بآریافکان آستان مقدس از وزرای عظام و شاهزادگان فحام و رؤسای نظام و دو جوه خدام با آقام  
 دربار سپهر آقدار شاهنشاهی بشمول توپجات و نفقات ملوکانه مستطوره مبارکی گشتند و شکر سلامت وجود مسعود بجایون  
 با تبریک قدوم بخت لزوم مبارک انباز داشتند

شب این روز که شب جمعه نهم بود بشف مقدم فرخنده شیم بجایون بالی دار الخلافه اسواق معابر معتبره شهر را مفصلاً چراغان  
 نمودند و پیش و شادمانی گذرانیدند

از خاتون آباد تا شهر دار الخلافه پنجره فتح است

در دار الخلافه

منبع الدوله وزیر انطباق











